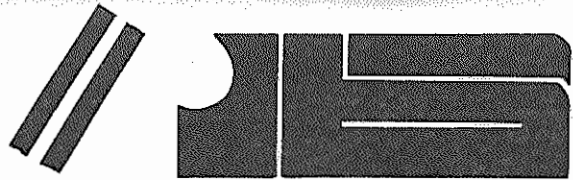


هموطن!
برای نجات جان زندانیان
بیا خیریم!



هموزم!
برای نجات جان زندانیان
متحد شویم!

ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

دوره دوم - سال پنجم - شماره ۶۰ اول بهمن ماه ۱۳۶۷ - ۱۰ صفحه - ۶۰ ریال

فاجعه ایران و آزمون حقوق بشر

تراژدی شکست انقلاب ایران به دست گورزادان حاکم، شما می ژرفای رنجبار خود را دیگر با رد رکشتا زندانیان سیاسی به دست جلادان خمینی و رفستجانی نمایان کرده است. تقارن این کشتار با چهلمین سالگرد صدور منشور حقوق بشر به گویا ترین زبان همه ذات خدشتری رژیم کنونی ایران را دربرابر جهانی به شما بی گناهان است. حقوق بشر نیز در برابر خود را این تراژدی بشری آزمون بی بزرگ را آزمی گذراند. آزمون که در آن مردمهای بزرگی نرفته است. آزمون که در آن بزرگ ترین درس حقوق بشر را می توان آموخت. آزمون آ میخسته با توانائی ها و ناتوانی های بشریت امروز برای تحقق آرمان های انسان دوستانه خویش.

در این روزهای تلخ مرگ ز، بشریت با دل و جان خود در کنار مردم ما است. بشریت، تا هر آنجا که شعاع اطلاع و آگاهی امتداد می یابد، همدلی خود را با مردم عزیز ایران و نفرت خویش را از زکدراد رژیم خمینی ابراز می دارد. مردم ما تنها نیستند و تنها نخواهند بود. فریاد اعتراض همچنان نیرو می گیرد و بریاری جهان نیز به مردم کشور ما افزوده می شود. با این همه در چهلمین سال صدور منشور حقوق بشر، تنها منسک کردن توانایی ها و مسکوت گذاشتن ناتوانی ها و نا پیگیری ها در دفاع از حقوق بشر در مقابل بله با اقدامات تبهکاری را نه خیر رژیم ایران آموزی درست نخواهد بود. دفاع از حقوق بشر مستلزم آن است که هر کوتاهی و نا پیگیری بشری در این باره به جا و به موقع برخورد شود.

در میان حامیان مردم ایران، در میان نیروهای که در این روزهای خونبار تاریخ کشور ما با همه وجود خود را شریک در دما می دانند و در کنار ما به مقابله با تبهکاری های رژیم رتاج برخاستند، احزاب کمونیست و کارگری برجسته تر و پیگیرتر از همه هستند. احزاب کمونیست کشورهای اروپایی، احزاب کمونیست آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین و ایالات متحده آمریکا، از نخستین روزهای فاش شدن قتل عام زندانیان سیاسی ایران، فریاد اعتراض سردا دندوبیا قاطعیت رژیم ایران را محکوم کردند و از دولت های کشورهای خود خواستند تا این رژیم را برای قطع جنایات زیر فشار قرار دهند. احزاب کمونیست اخبار روزگارش را مربوط به خون ریزی های ایران را در همه جبهان منعکس کردند و هر یک به تناسب شرایط خویش کوشیدند تا اقدام موثرتری بسازند. جلوه گیری ازسپل خون را از زمان دهشت در هر کجا که ایران بر نیان می آید، اعتراضات و اجتماعاتی در اعتراض به اقدامات رژیم برپا کردند، همزمان کمونیست با مشارکت فعال خود ترقی خواهان ایران را یاری دادند. جوهر عمیقاً بشردوستانه

کارشکنی رژیم عراق در مذاکرات

مذاکرات صلح مدت ها است که برایش کارشکنی های رژیم عراق به بین بست رسیده است. رژیم جمهوری اسلامی که خود در تداوم جنگ هستی سوز نقش درجه اول داشت، از مدت ها پیش دیگر امید به ماجراجویی هائی از نوع عملیات "خیبر" و "والفجر" و غیره را از دست داده و به این نتیجه رسیده است که برای حفظ کل نظم مجبور است "خامنه" را تا به آخر سر کشد. از این رو با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت آماجگی خود را برای انجام مذاکرات با اسرائیل اعلام نمود.

طی مذاکراتی که بین هیئت های نمایندگی دو رژیم صورت پذیرفت، آشکار گشت که با راه سازی رژیم عراق است که حاضر نیست مذاکرات در چهرتی سیر کند که هر چه زودتر آتش بس پذیرفته شده به استقرای صلح و خاتمه جنگ منجر شود.

رژیم عراق با مطرح نمودن مجدد قرارداد ۱۹۷۵ و لزوم تجدیدنظر در مورد آن و ادعاهای مربوط به اروند رود (شط العرب)، با عقب نشینی به مرزهای بین المللی مخالفت می کند و آشکارا تلاش می کند که در روند مذاکرات اختلال ایجاد شود. به موازات این کارشکنی ها، تحریکات نظامی از سوی رژیم عراق در جبهه هموار وجود داشته است. در اوایل دیماه بود که از سوی عراق چندین حمله هوایی در خلیج فارس

بقیه در صفحه ۲

در مسلخ خمینی

نه با زدا شکا و نه با شکنجه گاه، هیچکس نمی تواند آوازه ای درخور برای زندان های رژیم خمینی باشد. اینجا قتلگاه است، اردوگاه مرگ است، مسلخ اسیران خلق است، اینجا میدان جنگ است، جنگی مطلقاً نابرابر. جنگی به تمام معنا فجیع، آنچنان فجیع که حتی نمودن، مویسر سرکودگان سفیدی کند. اینک گزارشی کوتاه از آن چه که در زندان ها، بزرگان ایران رفته می رود:

زندانیان

علاوه بر سلول های مربوط به وزارت اطلاعات که برای با زوجی، شکنجه و تحت نظر داشتن بازداشتی ها به کار می رود و نیز علاوه بر دو قسمت آداری و پادگان، در این زندان نیز مجموعه آدرس قسمت نگهباناری می شوند. قسمت اول، "آسا بیگانه" نام دارد که ۵۰۰ سلول یک نفره و تعداد کمی اطاق عمومی است و معمولاً برای نگهباناری زندانیان تحت بازجوئی و تشبیه انفرادی به کار می رود. گفته می شود که از زندانیان قدیمی این قسمت تقریباً هیچکس زنده

ده سال جنایت علیه مردم

ده سال از انقلاب نگوهند بیستم گذشت. انقلابی که تجلی رزم جانبا زانه وسیع ترین اقلات و طبقات مردمیین ما علیه نظام مستعبدی و نفوذ امپریالیستی بود. توده های دهها میلیونی مردم که خالق این انقلاب بودند با آرزوها، خواست ها و شعارهای آزادیخواهانه، استقلال طلبانه و عدالت پژوهانه به میدان نبرد نهاده اند. و با قیام محاسی ۲۲ بهمن، عظیم ترین رویداد تاریخ معاصر کشور را آفریدند. اما عتبات عظیم کارگران و زحمتکشان، تحریک همگانی، تظاهرات میلیونی و سرانجام قیام یکپارچه و عمومی برای پایان دادن به دیکتاتوری و استبداد و نفوذ امپریالیستی و رفع بی عدالتی و فقر و تنگدستی و منافع اقتدار خلق برپا گردید. قلب های تنیده، مشت های گره شده و فریادهای خروشان مردمییم آزادی و بهروری داشت. خلص، یکپارچه به پا خاست تا سرنوشته خود و کشتور را تعیین کند، دهقان صاحب زمین شود، شرايط کشاور زندگی کارگران بهبود یابد، کارومسک برای همه تأمین شود، تبعیض علیه زنان و مست علیه خلق های ساکن کشورهایان با بدو آزادی سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم تأمین گردد.

به حرکت این انقلاب، زندانیان سیاسی کشور آزاد شدند، سازمان های سیاسی انقلابی مجال برای مدو فعالیت علنی یافتند، رژیم شاهنشاهی منهدم شد، نفوذ سیاسی و نظامی امپریالیسم درهستم شکست، پیمان های آسارتی نظامی، سیاسی و اقتصادی فسخ گردیدند، بانگ های ملی شدند، مبارزات سرما به های بزرگ و ایسته مناد شدند. اما مساب انقلاب قادر شد تا معارض استقرار رژیم درنده خوی جدید شود. رژیم خمینی دستاوردهای گرانقدر انقلاب خلق را یکی پس از دیگری تبا کرد، آزادی سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم قبل از همه و از همسسان نخستین سال انقلاب، به شدت پایمال گردیدند.

بقیه در صفحه ۶

فدائیان طهران، کادرهای برجسته سازمان، رفقا اسماعیل پورمحمدی (حجت)، بندعلی مرادیور، محمود بهکیش، خشیار خواجهان (فرامرزی)، حسن دشت آرا (حسن شرق) و عباسعلی منشی رودسری در جریان کشتار اخیر رژیم ارتجاع شهید شدند

نام نهاده است. قسمت دوم "آموزشگاه" نام دارد که دارای دو بخش است، بخش مردان و بخش زنان. هر بخش دارای سطحی است. در طبقه های اول و دوم بخش مردان گویا فقط در حدود ۳۰ نفر زنده مانده اند. در بخش مردان در مجموع شاید در حدود ۱۰۰ نفر باقی مانده باشد. در بخش زنان گویا مجموعاً تعدادی در حدود ۲۰۰ نفر زنده هستند که اکثر آنها نشان در خطر اعلام قرار دارند. قسمت سوم، دارای ۴ بند است که در آن زندانیان سیاسی نگهداری می شوند. در مجموع در این ۳ بند حدود ۱۰۰ نفر باقی مانده اند. به طور کلی از چندین هزار زندانی سیاسی که از قبیل از پذیرش قطعنامه مسسه

بقیه در صفحه ۴

هجده سال جنایت برای مردم

هجدهمین سالگرد بنیاد نگذاری سازمان فدائیان خلق فرامی رسد. طی این سالها، فدائیان خلق را هی بس دشوار را زمین آتش و خون گزرا نده اند. شما می بنیانگذاران و رهبران متقدم سازمان و صدها کار در برجسته و عضو زنده در راه اهداف رسیدن، سنت با بدو ای و جانبا زنی در راه خلق، بر و خوشختی توده های وسیع خلق و در راه برپایی یک جامعه فراغ از مستعبدان و رقیبمانا نه به شما دست رسیدند. سنت با بدو ای و جانبا زنی در راه خلق، بر تا رک بیکار را روزها همچنان می درخشد. بیدایش جنبش فدائی تحولی انقلابی و بلند در جنبش انقلابی مردم ایران در تاریخ دوده خیر میچین ما بوده است. نسلی جدید جوانان از بهر پیروان و بیشترین فرزندان توده های مردم به راه مبارزه با دیکتاتوری خونین شاه گام بردند. در سال های که ما به شوموسیا استبداد شاه بر میهن ما حاکم بود، فدائیان خلق با عزم بی ریزی سازمانی مردم براری، بیکار وجود را بر پیوندهای عمیق بسا مردم، برای رهایی کارگران و زحمتکشان میهنمان نبردی شجاعانه را آغاز کردند. آماج مقصد رزم انقلابی فدائیان خلق، سرنگونی رژیم استبدادی و وابسته نا و برقراری حاکمیتی انقلابی و مردمی بود. صداقت انقلابی و رزمندگی و عشق و وفاداری به مردم، اعتقاد به ایدئولوژی و آرمان کمونیسم و وجوه مشخصه جنبش فدائیان خلق را تشکیل می دادند.

حما سه های شگوه مند قهرمانی و جان نسیازی فدائیان خلق، سکوت سیا هدیکتا توری را در هم درید. شعارهای مرگ بر شاه، مرگ بر امپریالیسم پیروز با دلق درکوی ویران و در شکنجه گاه ها و میدان های اعدام ذخیمان شاه ظنین فکن شد. بیکر دهها و سرکوب های وحشیانه و بی درپی رژیم هرگز نتوانسته

بقیه در صفحه ۲

- ★ دهمین سالگرد مبارزات شورایی زحمتکشان ترکمن صحرا
- ★ اعتراض منتظری به کشتار زندانیان
- ★ وقتیکه خمینی مصلح جهانی می شود!
- ★ اعتراض، اجتماع و تظاهرات علیه قتل عام زندانیان سیاسی ایران
- ★ یاد نامه شهیدان
- ★ یاد شهیدان توده های گرامی باد!
- ★ جنبش دانشجویی، تکانه های تازه

گرامی باد هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فاجعه ایران ...

بقیه از صفحه اول

آرمان‌گوییست، اما، که خود عاصرا همه آرمانها و آرزوها، انقلابی، ترقیخواها، نوپشتروستا نسسه بشریت است، در حیات بشری، از حقوق بشر و کرامت و آزادی و همه آرزوهای سیاسی ترقیخواه کشور ما و از همه مردم رنجیده ما با زتاب شوهرندی یافته است.

در کنار احزاب کمونیست و کارگری نیروهای ترقیخواه و صلح دوست بسیاری، شامل سوسیال دمکراتها و دمکراتها، سبزها، طرفداران حقوق بشر و سوسیالیسم و دیگر احزاب، سازمانها و نهادهای ترقیخواه، به ویژه در اروپا علیه رژیم ایران موضع گیری کردند و خواستار رقت و بیدرتگی خونریزی و اجرای حقوق بشر در ایران شدند. آنها دولت های متعوض خود را جهت اقدام برای قطع ریزی و اجرای حقوق بشر در ایران زیر فشار قرار دادند و در اوضاع ایران، در چند کشور اروپایی موفق به توافق با دولت ها به موضع گیری می شدند. از آن جمله دولت آلمان کسبیا رکوشیدتا یک ایالات فدرالی، مسووح فشارها را از سر برداشته و بر بارش خون مردم ایران با قرار دادهای رنگارنگ اقتصاد و اجتماع متوقع سودگرا نه خویش را تا مین کند. سرانجام با قطعنامه بسیار مهم مجلس آلمان روبرو شد، در این قطعنامه که با تضام آرا تصویب شده، خویشی های رژیم ایران محکوم شد و از دولت آلمان و از زمان ملل خواسته شد تا برای قطع این خون ریزی ها امکانا تا خویش را به کار گیرند.

برخی دیگر از دولت های اروپایی نیسیز علی رغم تلاش برای دور زدن رویدادهای خونبار ایران، از زیر فشار مردم و احزاب مترقی ناچار میسه برخی موضع گیری ها شدند، اما این همه نه تنیسه آشیا ت کننده دفاع دول اروپا و آمریکا از حقوق بشر در ایران نیست بلکه حتی افشا کننده مطمع آنها در برخورد با مسائل حقوق بشر است. اکثر دولت های غربی، همان دولت هایی که بر سر با زتاب یک جاسوس خودی در ایران با آن کشور و بر سر چگونگی برخورد کشورهای سوسیالیستی با معترضین و چگونگی برخورد رژیم ایران با شخصیت های مورد علاقه آنها، همه دستگاہای تبلیغاتی خود را به

صدای آید و در نود و هشتاد و یک سال، به محافل اقتصادی و خاطر دفاع از حقوق بشر، به محافل اقتصادی و سیاسی دست یازیدند، این بار، در مقابل جناحی تسی چنین بی باقیه، حد اکثر به یک اظهار نظر آیکی و یازی دیلیما تیک با حقوق بشر بنده گردند، بوقه های بی بی. سن و رادیو آمریکا و غیره گوشیدند... می توانستند، در دولت های انگلیس، ایالات و ژاپن سنگ تمام بگذارند و در حقوق بشی مسرر گذاشتند، اگر چه وزارت خارجه آمریکا سرانجام چا را شدد بیا با اقدامات اخیر رژیم چیزی نگویند... تراوی عدل به یک باره از چنگ فرشته سنگی فسر و نیافتد، با این همه یک چشمی بودن فرشته عدل عمو سام ایسن بار پیش از همه نمایا شد، بدون شک با یذکت هیچ دولتی به اذنا ز دولت ریگان در این حما من ایران به فکر سود سودای خود نبوده است، مگر قتل عام کمونیست ها و مجاهدین و مسلمانان معترضی به استبداد دقتی زیانی را متوجه مدلمان ضد کمونیسم در جهان می کند؟ اگر نه، آنکه نسیز سیاست برداران سرما به داری آمریکا همسواریه کمونیست سبزی رژیم خمینی یکی از مهم ترین حلقه های اعتماد دشنا خد می شود؟ مگر نه، آنکه درست در همین زمان با اذنا آمریکا رژیم های ارتجاعی گوش به فرمان آن، برخی از این «مجاهدین» افتا نی تیکاری را مابھی را علیه برادران ما در افغانستان اعمال می کنند؟ شاید زوی حقوق بشر برای دولت آمریکا به واقعیت سی جدی تبدیل شود، بگمان آن روز خواهد آمد، اما امروز تا کنون، برای جناحی از سرمایه داری آمریکا این حقوق بشر بیشتر یک ترس سیاسی علیه مخالفان بوده است، متاسفانه نیروی ترقیخواهان نیز در کشورهای اروپا و آمریکا هنوز بسیار ضعیف تر از نیروی ترقیخواهان منظمه در اروپا است. همین واقعیت ایگانا ت سوداگری دولت آمریکا با حقوق بشر را افزایش می دهد، بدون شک دولت آمریکا پیش از پیش متوجه خواهد شد که دوران تضاد حقوق بشر منجمله توسط وی به پایان رسیده و نیز ناچار است قدم به قدم از موضع بازی با حقوق بشر و برآمداری دروغین آن عقب نشینی کند.

متاسفانه برخی از دولتهای سوسیالیستی منجمله

اتحاد شوروی و چین نیز بگونه ای خارج از انتظار نتوانستند ابعاد فاجعه ایران را با زتاب دهندند، نمایندگان اتحاد شوروی و چین درجلسای که به منظور محکوم کردن اقدامات رژیم ایران در سازمان ملل تشکیل شده بود شرکت نکردند، این امر برای مردم ایران به حق دور از انتظار است، برای ما بسیار روشن است که اتحاد شوروی و چین قلبا و عمیقا از چنین اقداماتی منجز هستند، سوسیالیسم ذاتا با چنین تیکاری های سرما زش ندارد، انتظار مردم ما اینست که این احساس انزجار نسبت به اقدامات رژیم خمینی علیه حقوق بشر و همدردی با مردم ما مریحا اعلام شود.

نواندیشی و تفکر نوین می توانند در عرصه دفاع از حقوق بشر همه توانایی های سوسیالیسم را بیسان کنند و در این عرصه سترک نبرد شرقی نوین پیش روی بشریت بگذارند.

* * *

در کشور ما همچنان سبیل خون جاری است، نقشه رژیم برای اقدام قتل عام همچنان در دنبال می شود. جان همه زندانیان سیاسی در خطر است و خاتمه های زندانیان سرگردان و دیگران در لحظه منتظر خبر ناگوار جدیدی هستند، در چندمین سال صدور منشور حقوق بشر، ایران آماج درخشندترین اقدامات رژیم قرار گرفته است. مردم ایران، ترقیخواهان ایران، همه ما، در همه زمان های سیاسی مردمی ایران، از همه دولت ها، از همه احزاب، سازمانها و نهادهای سیاسی و اجتماعی در سرا سر جهان یازی می خواهند. چنانچه باید بگذارد، در اندر راه حقوق بشر، بشریت چنین موردا هانت قرار گیرد، ما نیز از منصفه اقدامات قاطعی از سوی سازمان ملل متعهد و همه دولت ها و نیروهای سیاسی، به هر عقیده و مسمرا هم مسلک، برای اعمال فشار جهت قطع خون ریزی ها هستیم. بگذارد، در چندمین سال که در دورا علامیه حقوق بشر باگی می نوین ویی پیرا به دفاع هر چه قاطع تر از حقوق بشر تبدیل شود، ایران همچنان منتظر است. □

اقدامات رژیم همچنان در بلاتکلیفی و در بدری بر سر می برد. هر چند که فعالیت های مردم در موارد زیر کمیسیون جدید مدارات از سوی محافل بین المللی و به ویژه سازمان ملل مستصورت میگردند و نیز کمیسیون ایران طی نامه ای از اعضای دائمی شورای امنیت تقاضا کرده است که عراق را وادار به پذیرش مذاکره بیا مود قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بکند، اما جریان طوری است که هنوز نشانه ای جدی برای آزر گیری موثر مذاکرات وجود ندارد. زیرا از یک سو رژیم عراق اعلام کرده است: «تا زمانی که امنیت رفت و آمد کشتی های عراقی در آب های خلیج فارس و ... تا مین نشود، عراق حاضر به داد و کفتگوها نخواهد بود». از سوی دیگر ایران اعلام داشته: «تا زمانی که عراق قیروهای خود را از یک هزار کیلومتر مربع خاک ایران خارج نکند، تهران امکان هر گونه گفتگوهای صلح را مردمی نداند». طارق عزیز طی مصاحبه ای که در اوارد ماه سال جاری با روزنامه فیگارو انجام داد، در رابطه با کربست سلاح های شیمیایی توسط عراق، ملاحظه کرد: «کشورهای اروپا و آمریکا می طلعا احساس گناه نمی کنند». این در حالی است که محافل خبری جهان خبر از تولید سلاح های میکربی توسط رژیم عراق می دهند. همه این اقدامات با طبیعتا نشانه های جنگ افروزا هستند. وضعی که با نسیک به وجود آمده، این خطر را که ملامحتل کرده است که حالت نهنج و تامل کنونی، تداوم طولانی داشته باشد و مردم میهن ما و مردم عراق در اذنا اهداف شهبکارانه رژیم، تا مدت های مدید دیگرتییز از زندگی در محیط صلح میز محروم گردند.

مردم میهن ما و هم مردم عراق و نیز تمامی بشریت ترقیخواه و سازمان های مسئول بین المللی و کشورهای صلح دوست جهان، خواهان استقرار هر چه زودتر صلح در منطقه هستند. همین چند بیبتی بود که در کنفرانس وزرای امور خارجه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد که در نیویورک تشکیل شد، کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس تا ریزوم جبرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت تاکید کردند، از این رو علی رغم نیت سران رژیم، برای خاتمه دادن به وضع موجود و شکست پیست مذاکرات و استقرار صلح امکانا تا با لقیرو زایدی وجود دارد. مردم میهن ما و مردم عراق و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه و صلح دوست و آزادیخواه هر دو کشور با یستی با به کار گیری مجموعه این امکانا تا به پیکار خود در راه استقرار صلح، شتاب و شدت هر چه بیشتری بخشند تا بتوا تندهما نگونه که آتش بس بر دور رژیم شهبکار تحمیل شد، صلح را نیز بر آتیا تحمیل نمایند. □

مستقیم مزدوران شاه به شدت رسیدند و عمده های دیگر توسط رژیم کهنه و عدا شدند. رژیم جدید که استبداد سیه قرون وسطایی خود را تدارک می یابد و از زمین های کشاورزی و سازماندهی مستقل توده ها و حشدا و پست، عدا برای قطع فعالیت سازمان تلاش می کرد. فدائیان خلق با دیدگر در رژیم خون ریزی خمینی آماج انتقام جویی هزار بار رشید تر قرار گرفتند.

رژیم پلید خمینی زندانها را مملسمو از کمونیست ها و دیگر انقلابیون و مبارزین مجاهدین کرد و به کشتارهای وحشیانه آنها پرداخت. از سال های گذشته خون ریز سلامی دهها هزار تن از زندگان را از آزادی و عدالت اجتماعی عدا مویسا در زیر شکنجه به شدت رساندند. قتل عام خیبر زندانیان سیاسی اوج دردمندی رژیم علیه فدائیان خلق و دیگر نیروهای ترقیخواه است.

فدائیان خلق اکنون وظایف انقلابی و مردمی خود را در بدترین شرایط استبداد سوسیالیستی موجود به انجام می رسانند. زندگان فدایی در داخل کشور با شرایط خود ورق در حاشیه و محاسنی جدیدی تاریخ ایثارگری فدائیان افروزدند. آنها حتی با رزم در رژیم آهین فدائیان در راه مردم خویشند. فدائیان در راه مین صلح با یبار و آزادی و سرنگونی رژیم شهبکار خمینی از اذنان قریبا تنها میروا هندن، تا زمانی که ارتجاع استبداد حاکم حکومت می کند مبارزه سخت و پرخاطر است. در راه تحقق آرمانها و اهداف انقلابی مردمی، در راه مین آزادی کامل انسانها از هر گونه ظلم و ستمگری و فقر و استعمار، قریبانی دادن و قریبانی شدن اجتماعات پذیرا است، فدائیان خلق به امید تحقق آزادی و عدالت اجتماعی رزم خود را بیسی انگندند و تا تحقق اهداف مردمی خود از مبارزه با زمني ایستند. □

بقیه از صفحه اول

کارکنان رژیم عراق ...

انجام گرفت. رژیم جنگ افروزمحوری اسلامی نیز طی این مدت همچنان به بیسی جنگی اذمه داد و جوانان مین ما را دستخسته از مجبیه های جنگ می کند.

وضع جبهه ها همچنان بحرانی و متشنج است. تبادل اسرا که می با یست طبق توافق قبلی طرفین به طور منظم انجام می گرفت، متوقف شده است. باید مدتها بگذرد که در رابطه با این مسائل رژیم ایران را سرا و جها المصلح قرار داده و از انجام تعهدات خود در این زمینه سر بآزاد کند تا بدین ترتیب از این طریق بر رژیم عراق فشار بری آورد. بدیسی ترتیب دهها هزار اسیر و معلولان ایرانی و عراقی در

هجده سال جان بازی ...

بقیه از صفحه اول

است عزم و رزم انقلابی فدائیان خلق را درهم شکنند. زو فقدا ثیان و آرمان های انقلابی شان در آن دوران سیه هسکت و نومویدی امیده ای بسیا بر آن تکیخت. موج وسیعی از مبارزین به سوی فدائیان جلب شدند و گروه های کوچک و بزرگ رزمنده با الهام از رزم فدائیان به پیکار علیه رژیم روی آوردند.

مبارزه بیگری فدائیان علیه استبداد شاه و حامیان امیریالیست که همراها علی ترین نوع از خودگذشتگی و ایثار بود، در میان توده ها تا شیر جلب کننده های ت.

اوج گیری جنبش توده ها در سال های ۵۷-۵۶ زمینه مناسبی برای رشد سازمان و گسترش فعالیت سیاسی آن بود. هنگامی که توده ها خود به مبارزه فزاینده علیه رژیم استبدادی شاه روی آوردند، کار سترگ رزم فدائیان را در تار و پیک ترین دوران سلطه استبداد، اراج گذاشتند. فعالیت سازمان علی رغم ضربات ویورش های ساواک شاه به رهبری وبه شدت رساندن مدها تن از فدائیان در شرایط تازهرشد جنبش توده ای جان گرفت. حضور فدائیان در میان نیروهای روشنفکری و در محیط های کارگری و فعالیت های توده ای به سازمان امکان داد که به جنبش توده ها پیوند برقرار کرده و بر روند آنها به سهم خود تا شیر گذارد. سازمان تا نوست قرار نیسیست و انقلاب را به درستی و به موقع در بار بدوسیاست ها و تاکتیک های تاشیر بخشنده ای اتخا دنیا ید. شعبار سازمان «مرگ شیریکتا توری شاه و حامیان امیرالیست» وسیعا به میان توده ها نفوذ کسرد و مورد الهام گسترده قرار گرفت.

موضع گیری های سیاسی به موقع و درست سازمان درقبال تحولات سریع اوضاع و فعالیت تبلیغی گسترده سازمان که به کمک تعداد زیادی از گروه ها و محافل هوا دار با انتشار اوراق تکیفرا اعلامیه ها و تراکت ها در سراسر کشور صورت می گرفت، تا شیسر زایدی در بار لایردن آگاهی سیاسی توده ها و رادیکال کردن تاسها و شعارهای آنسان و تقویت جنبه های مردمی انقلاب و به ویژه در ایجاد آمارگی و تشویق توده ها به قیام مفری میدا شتسه است. سازمان نقش مهم و تاریخی در سلطه شور ساختن قیام میهن و برپا تکیختن مردم به پیکسار مسلحا و توشخیر با دگانها برای سرنگونی رژیم شاه ایثا کرد.

فدائیان خلق طی هشت سال نبرد آشکار و پنهان رژیم شاه قریبانی های بسیا ر دادند. شما رژیم های از اغا و هوا داران سازمان سالها در زندان های رژیم شاه به سر بردند. عده زیادی از فدائیان در نبرد

اعتراض، اجتماع و تظاهرات علیه قتل عام زندانیان سیاسی ایران

دریافته‌اند.

۱۸ آذرماه تظاهرات بزرگی دربرای مسخر سفاقت رژیم خمینی درآستردام، پایتخت هلند، از سوی ایرانیان مبارز صورت گرفت. این تظاهرات نیز با حمله پلیس هلند به تظاهرات، تظاهرات از آن دربرابر وزارت خارجه این کشور اجتماع کردند.

شهرهای مختلف آلمان فدرال، گوتینگن، کلن، هانوفر، نورنبرگ و برلین غربی نیز در روزهای مختلف آذرماه شاهد تظاهرات با اعتماد غنای و راهپیمایی ایرانیانی بودند که با راهپیمایی در دست‌جمعی به‌چشمه‌ها عداوت‌ها و بی‌وختگی بودند. مراکز تلویزیونی، رادیوهای و نشریات مرکزی و محلی آلمان از این تظاهرات و اعتراضات خبر دادند و به‌بخش اخبار راجع به تظاهرات در ایران پرداختند. عده‌گفتاری از شخصیت‌های سطح‌سوا و مترقی آلمان از کمیتت‌ها، حزب سبزها و سوسیال دمکرات‌ها و نمایندگان پارلمان این کشور، نامه‌های اعتراضی به‌سفارت جمهوری آلمان ارسال کردند.

هموطنان ما در آلمان نیز از مرکز شهر کپنهاگ به‌سوی سفارتخانه جمهوری آلمان راهپیمایی کردند و با صدور قطعنامه‌ای خواستار پایان یافتن اعدام‌ها در ایران شدند. مسردم آلمان نیز به‌مدودی عمیق با مردم ایران در جریان این تظاهرات ایران زکردند.

«حمیت همستگي با زندانیان سیاسی ایران» در آلمان نیز با اعتماد غذایی را در این سازمان داد. اخبار این اعتراضات در مطبوعات آلمانی و سوسیال با زتاب یافت.

به‌دعوت «کمیته عمل برای زندانیان سیاسی ایران» در مقابل دفتر روزنامه‌ها در آلمان، تظاهرات صورت گرفت. تظاهرات در مقابل سفارتخانه آلمان در لندن، اعتراضی و اخبار راجع به تظاهرات در لندن، روزنامه‌های کشور آلمان را تکرار کردند. فداثیان خلق در آلمان نیز از روز ۱۹ آذرماه، اعتبار غذایی ۵ روزی را در سفارت جمهوری آلمان لغو کردند. همستگي و سوسیالیسم اعتبار کثرتی از سوی ایرانیان مبارز و نیروهای مترقی انگلیس را زنده کرد. عده‌ای از نمایندگان پارلمان از حزب کارگر به‌جمع اعتماد کثرتی را آیدند و حمایت‌های خود را اعلام کردند. روزنامه‌های معتبر انگلیس (گاردین، مورینگ استار، سونی، ها، رولند) و رادیوهای بی‌بی‌سی، ال‌بی‌سی، اخبار این اعتراضات با بخش‌گرفتند.

همزمان با روز جهانی حقوق بشر، اعتراضات غذایی در شهر لوتودر سوئد از سوی ایرانیان صورت گرفت و ترفیقا و در محل دفتر سازمان جوانان سوسیال دمکرات و در سوئد، از حزب کمونیست، سوسیالیست دمکرات و کمیته‌های این کشور به‌اعلام همستگي با اعتماد کثرتی را آیدند. تظاهرات و نشریات مختلف سوئد اخبار راجع به تظاهرات را وسیع‌تر با زتاب دادند. تظاهرات دربرابر مرکز این شهر با این اعتماد غذایی سه‌روزه بود.

در اتحاد شوروی نیز عده‌ای از میان حزب سیاسی ایرانی در روز ۱۲ دسامبر به‌دفعه‌ای اطلاع‌تای سازمان ملل در مسکو و جمع کرده‌ها را به‌مسئولین دفتر جهت ارسال به‌آقای خاویز پرز دو گوئیو را ارائه دادند. آنها در مصاحبه‌ها خبر تظاهرات، جنایات هولناک رژیم را محکوم کردند.

روزنامه‌های آلمان و آلمان شرقی در این رابطه، گزارشی همراه با عکس از گروه‌های جمعی منتشر دادند. در بخشی از نامه‌ها و ایریز دو گوئیو آمده‌است:

ما خواستار قطع فوری قتل عام زندانیان سیاسی ایران و آزادی بی‌قید و شرط باقی‌مانده زندانیان هستیم.

ما خواستار لغو مجازات اعدام هستیم. ما توجه به اینکه جمهوری آلمان به‌هیچ‌قانون بین‌المللی با بی‌بندبست و با وجود بن‌جمین با محکومیتش در سازمان ملل به‌خاطر نقض خشونت‌گرا حقوق بشر در ایران، در آستانه‌های چندین سال‌گردد تصویب حقوق بشر، همچنان کثرت می‌کند.

ما از تمام احزاب و سازمان‌ها، دولت‌ها و شخصیت‌های مترقی و تمام بشریت خواستار هم‌کسبه رژیم خون‌ریز خمینی را محکوم و ما تنع از اعدام کثرت را کردیم. جهان نباید دربرابر این جنایات سکوت کند.

شکرت‌گردد که در اعتراض فوق، با مراجعه به دفتر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، نامه‌ای علیه جنایات رژیم جمهوری آلمان به‌این دفتر دادند. در این نامه از حزب کمونیست شوروی خواسته شد که برای انجام تظاهرات در آلمان سیاسی تلاش نمایند.

در اعتراض به جنایات هولناک جلادان خمینی و کشتار عام زندانیان سیاسی میهن ما، هموطنان ما در خارج از کشور نیز به‌فعل لیت‌های وسیع اعتراضی علیه رژیم دست‌زنده، در سراسر جهان، مردم آزاد و ترفیقا و جهان را از فاجعه عظیمی که بر مردم رژیم جنایتکار خمینی، "زندانی سیاسی آزاد" با یک‌گردد" را در نقاط مختلف دنیا فریاد زدند. مردم مسلمان در دنیا با این قرن بیست‌وسوم در شرایطی که برای لغو مجازات اعدام به‌هر دلیل و برای حقوق بشر مبارزه می‌کنند، با حیرت و ناباوری و با دردوا شده به‌همستگي همه‌جا نبه‌وگرم با خلقی برخاستند که رشیدترین، دل‌آورترین و اندیشمندترین فرزندان بشر را رژیم فزون و سفاقی به "جسرم" آزاداندیشی، صلح‌طلبی و ترفیقا و درگورهای دسته‌جمعی یافتند.

روز دوشنبه ۱۴ آذرماه تظاهرات وسیعی به‌خاطر اعتراض به قتل عام زندانیان سیاسی در مقابل دفتر سازمان ملل در شهر کراچی پاکستان صورت گرفت. مزدوران مسلح جمهوری اسلامی سوار بر ماشین‌ها خود به‌اجتماع کثرتی در مقابل سفارت رفیق فدایی ما، محمود رفیق کثرتی در این تظاهرات مکرر تروریست‌های حزب‌الله جان‌سپرده به‌شهادت هم‌زمین‌ها و بی‌شمار تن دیگر از تظاهرات کثرتی نیز به‌دنبال این حمله مسلحانه به‌سختی مجروح شدند.

۱۸ آذرماه به‌دعوت حزب کمونیست هندوستان و حزب کمونیست هند (ما رکیست) تظاهرات گسترده‌ای در دهلی نو برای اعتراض به کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران صورت گرفت. تظاهرات کثرتی در این راهپیمایی، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی اجتماع کردند و هیروا حزب کمونیست هند با سخنرانی گرم و فداکارانه خود در آیین میتینگ به‌اعلام همستگي با مردم آذربایجان پرداختند. تظاهرات در مقابل سفارتخانه‌های هند در تمامی مطبوعات این کشور با زتاب گسترده یافت. ۹ دیماه، ایرانیان آزادخواه و خانواده‌شهادت دربرابر سفارت جمهوری آلمان در فرانسه به‌تظاهرات پیروزی دست‌زده. «کمیته همستگي با زندانیان سیاسی ایران» بیانییه‌ای در این اجتماع خواندند. به‌ابتکار همین کمیته تظاهرات دیگری دربرابر سفارت رادیو فرانسه در مقابل سفارتخانه‌ها و در فرانسه فریاد می‌زدند: "سکوت را بشکنید، ما در ایران کشته می‌شویم".

۱۹ آذرماه، یعنی چهل‌مین سالروز انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر، دربرابر پالاس دو شایو" پاریس که در آن مراسم برای دفاع از حقوق بشر و شرکت دبیرکل سازمان ملل، رئیس‌جمهور فرانسه و شخصیت‌های دیگری یافتند. تظاهرات وسیعی از سوی ایرانیان ترفیقا و به‌رگزار شد. افشاکاری‌های پرده‌مانند تظاهرات علیه مراسم پاریس پلیس فرانسه، درگیری پلیس با تظاهرات کثرتی و دست‌گویی جمع وسیعی از آنها، با زتاب گسترده‌ای داشت. روزنامه‌های فرانسه اخبار این تظاهرات و عکس‌العمل و شیان پلیس را منعکس کردند. "اوما نیته" ارکان حزب کمونیست فرانسه نوشت: "سکوت را بشکنید، در ایران قتل عام می‌کنند". نشریه مذکور هم‌کساری پلیس فرانسه با رژیم خمینی را محکوم کرد.

واعدام‌های دسته‌جمعی در ایران را محکوم نمود. در ۲۲ آذرماه به‌دعوت "جامعه حقوق بشر فرانسه" نیز اعتراضی به جنایات رژیم خمینی در زندان‌های سیاسی ترتیب یافت. کلیه احزاب و سازمان‌های مترقی و تشکل‌های دمکراتیک ایرانی در این گردهمایی وسیع شرکت کردند و در پی راهپیمایی وسیع به‌سوی سفارت جمهوری آلمان رفتند. پس از تسلیم نامه اعتراضی به‌مزدوران خمینی در سفارتخانه، جمعیت‌های شعراهای قاری و فرانسوی و آتش‌زدن مترسک و عکس‌های خمینی، نفرت‌خویش را از قتل عام زندانیان دل‌خیز ایران از ابراز کردند. ۲۵ آذرماه در سالن سن‌دیگای کارگزاران راه‌آهن پاریس نیز مراسم پرشوری با عنوان "کسب همستگي با زندانیان سیاسی و به‌رگزار شد شهادت‌های اخیر" و با شرکت‌های برجسته دمکرات و حقوق بشر از فرانسه برگزار شد. رئیس‌فرانسویون کمونیست‌های فرانسه در مجلس ملی و کنفدراسیون عمومی کارفرمایان (س.ژ.ت.) با تلگرام‌های اعتراضی به‌وزیر خارجه این کشور، خواستار رفتار دولت ایران برای قطع اعدام‌ها و نجات اسیران

در روزها هفته‌های اخیر، موج اعتراضی جهانی علیه قتل عام زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم خون‌آشام خمینی، اوج گرفت و ما جمع بین‌المللی، دولت‌ها، احزاب، سازمان‌ها، محافل و شخصیت‌های ترفیقا و به‌شتر دوست، رژیم خمینی را به‌خاطر نقض خشن ابتدایی درین سترواک سیرک بشر محکوم کردند و خواستار توقف بیدرتگ شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی و اعمال فشار بین‌المللی به رژیم جمهوری اسلامی جهت پذیرش هیات ترفیقا و حقوق بشر سازمان ملل شدند. در اینجا نمونه‌های از اقدامات اعتراضی علیه رژیم و همستگي با زندانیان سیاسی و مردم ایران را می‌آوریم:

قطعنامه‌های پارلمان اروپا: در روز ۱۵ دسامبر، پارلمان اروپا که مقرر است در استراسبورگ فرانسه است، قطعنامه‌ای را به تصویب رسانده‌اند. این قطعنامه جمعی از نمایندگان سیاسی ایران محکوم شده و نسبت به پایمال شدن ابتدایی ترین حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از نجات‌رشته‌است. این قطعنامه به‌استکار نمایندگان کمونیست پارلمان اروپا تدوین و به‌پارلمان اروپا جهت تصویب ارائه شده‌است.

نامه‌به‌دبیرکل سازمان ملل متحد: از سوی فراکسیون حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال در یونستاد (پارلمان این کشور) در ارتباط با کشتار اخیر زندانیان سیاسی ایران، نامه‌ای به‌خاویز پرز دو گوئیو ارسال شد. در این نامه آمده‌است: ما اعضای فراکسیون حزب سوسیال دمکرات آلمان در مجلس آلمان فدرال نسبت به وقایع اخیر ایران احساس نگرانی می‌کنیم. بیرومون کثرتی از زندانیان سیاسی ایران و افزایش آن، اخبار را سفاوری به‌ما می‌رسد. بنا به‌اطلاعاتی که از ایران ما مورد توجه قرار داده‌ایم، تنها در سال ۱۹۸۸ هزاران انسان دستگیر و یا اعدام شده‌اند. دبیرگروه حقوق بشر فراکسیون حزب سوسیال دمکرات آلمان در مجلس آلمان فدرال، خطابه‌به‌دبیرکل سازمان ملل تا یک‌دگر که ما جلانه از شما تقاضا می‌کنیم که به‌طور بی‌کسری به‌نقض حقوق بشر در ایران ما مورد توجه قرار دهید. به‌عقیده‌ما این امر می‌تواند با اعزام یک گروه ترفیقا از سوی سازمان ملل متحد به‌زندان‌های ایران عملی گردد. این گروه اعزامی می‌تواند در محل، موارد نقض حقوق بشر را بررسی کند.

تلگرام‌های اعتراضی به‌سفارت رژیم خمینی در رم: پس از اعلام خبر کشتار وسیع زندانیان سیاسی ایران، تعدادی از سازمان‌های سیاسی و اجتماعی ایتالیا با ارسال تلگرام‌های اعتراضی به‌سفارت خمینی در رم، خواهان اعدام‌ها شدند. برخی از این سازمان‌ها عبارتند از: حزب کمونیست ایتالیا، فدراسیون بولونیا، کنفدراسیون عمومی ایتالیایی کار بولونیا، به‌سندیکسهای کارگری عمده در شهر فرارا، حزب کمونیست ایتالیا، فرارا، حزب دموکراسی بولونیا، فرارا، اتحادیه‌های ایتالیایی فرارا، انجمن ملی پارتیزان‌های ایتالیا، فرارا، حزب کمونیست ایتالیا، جنوا، دموکراسی بولونیا، جنوا، انجمن بین‌المللی دفاع از حقوق خلق‌ها، حزب سبزها، جنوا، اتحادیه‌های جوانان سوسیالیست جنوا، دبیر حزب رادیکال ایتالیا و... سازمان همستگي و اتحادیه‌های فوق‌ضمن اعتراض به‌سکوت مطبوعات این کشور، از خویشا رجه‌ای تا خواستند که سازمان دولت ایران جهت اعزام یک کمیسون ایتالیایی برای بررسی وضعیت زندانیان سیاسی ایران تقاضای روادید کند. حزب لیبرال ایتالیا نیز به‌صدور قطعنامه‌ای، رژیم خمینی را به‌خاطر کثرت‌ساز زندانیان سیاسی محکوم کرد.

اعلام همستگي احزاب کمونیست و ترفیقا: یک هیات نمایندگان از سوی سازمان فداثیان ایران (اکثرت) که در گنرگروه حزب کمونیست آلمان شرکت داشت، در دیدار با نمایندگان احزاب کمونیست ویتنام، آفریقای جنوبی، ترکیه، شیلی، اسپانیا، جبهه‌ها را بوشند و رتی آلمان را دور، جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین ضمن تشریح جنایات رژیم خمینی علیه زندانیان سیاسی این کشور، خواستار همستگي این احزاب با مبارزه علیه رژیم خون‌ریز ایران شد. نمایندگان احزاب نامبرده، جنایات رژیم خمینی را محکوم نمود و با زندانیان سیاسی ایران از همستگي کردند.



اعتراض آید به کشتار زندانیان

هفتمین کنگره سازمان همبستگی خلق های آسیا و آفریقا از تاریخ ۲۴ الی ۲۸ نوامبر ۱۹۸۸ در دلهلی نوبالتخت هندوستان برگزار شد. نمایندگان ۸۹ کشور و ۱۵ سازمان در ایس کنگره شرکت داشتند. مراسم افتتاحیه این کنگره به سخنرانی راجیوگان دی، نخست وزیر هندوستان آغاز گردید. شخصیت های برجسته جنسی همبستگی آسیا و آفریقا از جمله میمانا ن شرکت کننده در این کنگره بودند. که در این میان چهره های چون سامنجوما، رئیس سازمان خلق های جنوب شرقی آفریقا، "سوا بو"، خان عبدالولی خان رهبر حزب عوامی ملی پاکستان، رانا جاندرا رئیس شورای حیفا ملی... دیده می شدند. نمایندگان شرکت کننده در این کنگره طی اقامتین همبستگی با زندانیان سیاسی ایران، اعتراض خود را نسبت به کشتار زندانیان سیاسی ایران اعلام نمودند.

متن این اطلاعیه به قرار زیر است:

رژیم جمهوری اسلامی ایران دختران و پسران بر افتخار مردم ایران را زندانی نموده است. همه جهان آگاهند که دهها هزار آزگان، همگفتگان، دانشجویان، روشنفکران، سران و مردان وزندان کشور ایران در زندان و هزاران نفر تاکنون اعدام یا در سلول های شکنجه گاهای شهید شده اند. آخیزان در زندان های رژیم جمهوری اسلامی ایران کشتار دستمشی زندانیان سیاسی افزایش یافته است و تعداد قبول قطعی اعداماتش پس از زوسی رژیمه خاطر وضعیت بحرانی اقتصادی و اجتماعی، رژیمه اتمام زندانیان سیاسی انتقام میگیرد. اکثر کشتار همبستگی زندانیان سیاسی بعد از قبول قطعی اعدام شده است. صورت گرفته است. بر طبق خبر های رسیده، تعداد زیادی از زندانیان سیاسی به سلول های انفرادی برای اعدام منتقل یافته اند. از رفاقتیبات خواهدهای زندانیان سیاسی با آنان جلوگیری گردیده است. سازمان ملل متحد و نقویان مللیسی تاکنون چندین قطعی اعدام را اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی در ایران و بر ای آزادی آنان صا کرده اند.

جان زندانیان سیاسی ایران در خطر است. صدای اعتراض خود را برای نجات جان آنندسان رسا تر سازید.

نام ۴۵۹ تن از شخصیت های سیاسی - اجتماعی - علمی و فرهنگی افغانستان

خا و پر یزید و گوشتبار، دبیر کل سازمان ملل متحد! کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد! سازمان عقوبتی مللی!

افکار بین المللی و همه جغانیان از طریق رسا نه های سازمان های بین المللی مطلع شده اند که رژیم جمهوری اسلامی ایران با نقض آشکار بیبسیه جانی حقوق بشر و با زیر پا گذاشتن موازین انسانی دست به کشتار و اعدام پهنج هزارتن از زندانیان سیاسی این کشور زده است.

طبق خبر های سازمان های سیاسی ایران و رسا نه های بین المللی شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی که بر ای دمکراسی و تنگی بخشی مردم مبارزه می کنند، همجتن ادا مدها دره.

ما شخصیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی افغانستان، با مضاتنگان این نام به نام دفاع از حق زندگی، دفاع از آزادی و شرف انسانی از شما می طلبیم که در بیان دادن هر چه سریع تر به شکنجه و اعدام در جمهوری اسلامی ایران اقدام نکنید. وا زوسی کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد جهت رسیدگی به وضعیت زندانیان سیاسی هیاتی را اعزام نماید.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد مهاجرین باید آزادانه به کشور بازگردند پیگرد و سرکوب سازمانهای سیاسی باید قطع شود

اعدامها ادامه دارد

فهرست اسامی گروهی دیگر از قربانیان قتل عام زندانیان

هر روز اسامی تازه ای بفریست زندانیان سیاسی اعدام شده، افزوده می شود. تا امروز (اول بهمن ماه) از مجموعه اعدام شدگان نام بیش از ۶۱۵ تن از زندانیان سیاسی اعلام شده و بسیار موردنا سایی قرار گرفته است در شمار قتل تشریبه کاراساسی ۴۳۸ تن از شهیدان درج گردید. آخرین گروه از اسامی قربانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی کشور که تا امروز از مطلع شده است به قرار زیر است.

۴۲۲- فاطمه ادب آواز ۴۲۰- حسن ادب آواز ۴۲۱- عمت ادب آواز ۴۲۳- حسین آذرا (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۴۲۴- سعید آذرنک (حزب توده ایران) ۴۲۵- دکتر علی ربوبی (حزب توده ایران) ۴۲۵- ایوگر حامدی ۴۲۶- دکتور اسقاری (حزب توده ایران) ۴۲۷- انفیداری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۴۲۸- مجید املانی (سازمان مجاهدين خلق) ۴۲۹- کمال ابی (سازمان زمختگان کردستان ایران - کومله) ۴۳۰- احمد انصاری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۴۳۱- حسن انصاری (سازمان مجاهدين خلق) ۴۳۲- ستار سائزاد ۴۳۳- خالد سایی (حزب دمکرات کردستان) ۴۳۴- سوزن سا زگان (ارتعمه همبستگی) ۴۳۵- حبیب سائنی (سازمان مجاهدين خلق) ۴۳۶- محمد سایی (سازمان مجاهدين خلق) ۴۳۷- زینت سائنی (سازمان مجاهدين خلق) ۴۳۸- طاهر سائنی (سازمان مجاهدين خلق) ۴۳۹- اسماعیل بحرینی (حزب توده ایران) ۴۴۰- فریروز سائنی (سازمان مجاهدين خلق) ۴۴۱- قاسم سائنی ۴۴۲- شرف بلدی (فرزند ستار) ۴۴۳- خال دلیناری (حزب دمکرات کردستان) ۴۴۴- سبیلور (حزب دمکرات کردستان) ۴۴۵- سبیلوری (سازمان مجاهدين خلق) ۴۴۶- محمد سبیلور (سازمان فدائیان خلق) ۴۴۷- اکبر سبیلوری (سازمان مجاهدين خلق) ۴۴۸- سهراب سبیلور (سازمان مجاهدين خلق) ۴۴۹- سهراب (حزب توده ایران) ۴۵۰- محمد پورهومرا (حزب توده ایران) ۴۵۱- کمال ۴۵۲- شهناز ۴۵۳- پورسوزول (حما) ۴۵۴- احمد پوری (سازمان مجاهدين خلق) ۴۵۵- امیر ۴۵۶- محمد پوری (سازمان مجاهدين خلق) ۴۵۷- شمس پوری (سازمان مجاهدين خلق) ۴۵۸- فرس ۴۵۹- چنگیز (سازمان مجاهدين خلق) ۴۶۰- آبراهیم جومبار (سازمان مجاهدين خلق) ۴۶۱- حسن سین سائزاد ۴۶۲- پرویز (سازمان چوگیان فدائیان خلق) ۴۶۳- محمود حسینی ۴۶۴- ناصر علیی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۴۶۵- حباتی (سازمان فدائیان خلق - اقلیت) ۴۶۶- محمد خلقی خانی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۴۶۷- خا سائزاد (سازمان مجاهدين خلق) ۴۶۸- ظاهر خروآ (سازمان فدائیان خلق) ۴۶۹- خرویی ۴۷۰- مهرداد خرویی (سازمان مجاهدين خلق) ۴۷۱- شهریار خلقی (سازمان مجاهدين خلق) ۴۷۲- محمد خروآ (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۴۷۳- حمید خلق ایران (اکثریت) ۴۷۴- امیر مززی (حزب توده ایران) ۴۷۵- حمید سوزن خا (کارگر) ۴۷۶- امیر دوستی (سازمان مجاهدين خلق) ۴۷۷- راسک ۴۷۸- سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت ۴۷۹- پور (سازمان چوگیان فدائیان خلق) ۴۸۰- محمد خلقی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۴۸۱- دکتور ۴۸۲- محمد خلقی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۴۸۳- خسرو (سازمان مجاهدين خلق) ۴۸۴- احمد غاوی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۴۸۵- یکتا ۴۸۶- شمس رجبی پور (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۴۸۷- محمد سکر رجبی (سازمان فدائیان خلق) ۴۸۸- حبیب سبیلور (سازمان فدائیان خلق) ۴۸۹- سبیلور (سازمان فدائیان خلق) ۴۹۰- سعید سبیلور (سازمان فدائیان خلق) ۴۹۱- شمس رجبی پور (سازمان فدائیان خلق) ۴۹۲- سبیلور (سازمان فدائیان خلق) ۴۹۳- سعید سبیلور (سازمان فدائیان خلق) ۴۹۴- سبیلور (سازمان فدائیان خلق) ۴۹۵- سبیلور (سازمان فدائیان خلق) ۴۹۶- سبیلور (سازمان فدائیان خلق) ۴۹۷- سبیلور (سازمان فدائیان خلق) ۴۹۸- سبیلور (سازمان فدائیان خلق) ۴۹۹- سبیلور (سازمان فدائیان خلق) ۵۰۰- سبیلور (سازمان فدائیان خلق)

زندانیان اهواز

یکی از اعدام های دسته جمعی در اهواز در شب ۸ مرداد انجام شد. بیش از آن، در روز ۷ مرداد، شخصی به نام حبیبی را دستگاری و منتقلان دادستانی همراه با عدای دیگر، به بند زندان هومر زده و آنها را بسا چوب و حاق شدیداً مضروب کردند. روز بعد کلیه زندانیان را در مسجد جمع کرده و از این میان عدای را به بند می بردند و باند اعدام می کنند. درخیمان خمینی ابتدا مردان را به خارج از سلولها فرخواندند و آنها را به حیاط زندان بردند. در حیاط، دست از ما موران دادستانی به نام مهابیب، برضا و شفقی، زندانیان را شدیداً مضروب کردند و بعد زندانیان را نیز به حیاط بردند و در کوره راتیر بران کردند و اجسام در آریکسه های تالیلونی ریختند. یک کمپرسی، این اجسام را در حالی که برخی از زندانیان هنوز نیمه جان بودند، بسسه بیابان های پشت گورستان اهواز منتقل کردند. در آنجا تمام چنانچه بود، در گودال بزرگی که بسا بولدور کشته شده بود، ریختند و چند روز بعد روی گودال را با خاک و اسفالت پوشانند. اکثر این زندانیان طی سال های ۶۰ تا ۶۳ دستگیر شده و در حال گذرانندن دوره محکومیت شان بودند.

درمیلخ... ۵۹۸ توسط رژیم، در زندان اوین بودند. اکنون بین ۴۵۰ تا ۵۵۰ نفر زندان مانده اند، که همان بسیاری از آنها نیز در خطر است. اغلب اعدامها در اوین با چوبه های مسورت گرفته است. درخیمان حاکم، چوبه های ثابت دار را در سال بزرگی در زیر قسمت قدیمی اوین نصب کرده و زندانیان را گروه گروه به داخل چوبه ها انداخته است. گفته می شود که آنها را در آنجا آوار و در حال ایس اوین، مربوط به تونل کبی معدن بوده که عواما مل رژیم حدود ۴۶۰ تن از زندانیان را در آن محسوس کرده و به قتل رسانده اند. روزنامه های دولتی فقط گزارش داده اند که آنها تاجا در یک معدن در سعادت آباد رخ داده است.

عمال رژیم، زندانیان را که حاضر نبوده خواندن نما زنیوده اند، هر روز در گروهبی ۱۵ نفر به دادگاه می بردند و هر یک را روزانه ۲۵ ضربه شلاق محکومی کرده اند. در یکی از روزهای هفتشم دوم آذر ماه، تعدادی از خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل زندان اوین جمع کرده و خواهان کسب اطلاع از فرزندان شان شدند. شخصی به نام حاجی کربلائی گفت: مسئولین اوین است. شروع به توهین به خانواده ها کرده و ما مورین اوین برای متفرق کردن مردم هجوم آوردند و دود دود خنک را که مشغول جمع آوری اسامی اعدام شدگان بودند دستگیر کردند. از سرنوشت این دو نفر خبری در دست نیست.

زندانیان گوهردشت

ما مورین رژیم جمهوری اسلامی می گویند که پس از دستگاری خمینی در مرداد اعدامهای اخیر در مرداد ماه، بلافاصله ۵۵۰ نفر در زندان گوهردشت اعدام شدند. ۵۹ نفر از آنها در حضور دیگران به دار آویخته شده اند. قبل از اعدام این زندانیان بر سیده بودند: آیا مسلمانی شهید؟ آیا زندانیان می خوانند؟ و در صورت منفی بودن پاسخ، اعدامشان کرده اند. در ماه آبان، عدای از زندانیان مسلمان گوهردشت را که تا کبیراً زندان خوانده شده بودند، لخت و در حالی که تنهایی شورت به پای داشتند، به حیاط زندان برده و آنها را در می کشند و در ظرف های آب سریده عیوان " آب توبه" استحمام کردند. طوسی امهای میورایان در حدود ۴۰۰ نفر از زندانیان سیاسی را که دوره محکومیت شان به پایان رسیده و در انتظار دریا تجمک آزادی بودند، به زندان گوهردشت منتقل کردند. سپس در ماه آبان، این زندانیان را در سالنی جمع می کنند و از یک آنان استخوانها را استخراج می کنند. عدای زندانیان را با اسن تعدادتونها ۹ نفر این شرط را می پذیرند. گفته می شود که بقیه را در همانجا بدر کباب رمل مسلسل می کنند.

۵۹۳- کیوان (هشید (حزب توده ایران) ۵۹۴- خالد میرایی (۵۹۵- شهناز میرایی (سازمان مجاهدين خلق) ۵۹۶- کریم نادری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۵۹۷- منصور نجفی (وزعت کمونیستی) ۵۹۸- فرید معزنی (سازمان مجاهدين خلق) ۵۹۹- کمال نظری (مقدم (سازمان زمختگان کردستان) ۶۰۰- اسماعیل نظری (مقدم (سازمان مجاهدين خلق) ۶۰۱- پروانه نورمحمدیان (سازمان مجاهدين خلق) ۶۰۲- صالح نورمحمدیان (سازمان مجاهدين خلق) ۶۰۳- سهراب نیک آفرین (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۶۰۴- هابون نیک پور (فوج (سازمان مجاهدين خلق) ۶۰۵- علی نیکتنام (سازمان مجاهدين خلق) ۶۰۶- زهرا نکوکیان (سازمان مجاهدين خلق) ۶۰۷- علی بنی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۶۰۸- کبری وریشی (سازمان مجاهدين خلق) ۶۰۹- اسماعیل وین خواج (حزب توده ایران) ۶۱۰- ناصر های (سازمان زمختگان کردستان) ۶۱۱- کومله) ۶۱۲- رحیم باقی (۶۱۳- طلیل موشیاری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۶۱۴- بهمن بزدا نیان (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۶۱۵- سهراب سوب پور (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) ۶۱۶- ...

فدایی شهید رفیق حمید منتظری عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان

رفیق حمید منتظری، انقلابی سرشناس و عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به مدت فترتی جنایت پیشه به شهادت رسید. برای آنها که حمید را می شناختند، بسیار کردن این خبر دشوار بود.

آخر چگونگی می توان با او برخورد کرد که حمید، بسیار آنچه همیشه خندان، با آن شور و حرارت و احساسات با آن تحرک و بی قراری و با آن صفا و صمیمیت دیگر در میان ما نیا شد.

برای آنها که او را از نزدیک می شناختند و با خیال برجسته انسان و از نزدیک آشنا می شناسیدند، به خوبی روشن بود که با مرگ حمید، جنبش انقلابی و مردم میهن ما نگره گرانی بی را از دست داده است.

حمید در شهر بزم به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهرستان به پایان رساند. سپس وارد دانشگاه حقوق دانشگاه تهران شد. سرپرست و روح بی قرار او را و روحی دیگری بود. برای حمید که از سال های دبیرستان تحت تاثیر جنبش فدائیان خلق، با درمیان مبارزه در راه های زحمتکشانه نیا دیده بود، دانشگاه به مثابه میدانی برای گسترش فعالیت سیاسی و کوشش راهی و مکانات نویسنده میا زده بود. تحصیلات دانشگاهی حمید دیری نیا شد و توسط ساواک دستگیر شد.

حمید از زمان ساواک را با سربلندی پشت سر گذاشت و از چهره های مقاوم زندان شمرده می شد. او همرا با او و دیگری جنبش انقلابی مردم زرنندان آزاد شد و در باریا بیگرا ن جنبش انقلابی خلق پیوست. در سازمان ندهی نظا هرات توده های مردم بر علیه رژیم شاه نقش فعالی داشت و از جمله شرکت کنندگان فعال قیام مسلحانه خلق در بهمن ماه ۵۷ بود.

بعدا ز سرنگونی رژیم شاه، حمید که به نقش کلیدی حضور مستقیم توده های زحمت و کار در مبارزه واقف بود، از موقع نقد "مشی چریکی" به جریان می پیوست که بعدها سازمان را هاکرگر را به وجود آورد تا سال ۵۹ مبارزه انقلابی خویش را در صفوف این سازمان پی گرفت. اما تا میل سوزان حمید به جویند و در هم میختن با توده های مردم موجب شد که در او و سال ۵۹ دوباره به صفوف سازمان بیبوند. سابقه درخشان مبارزاتی، تعهد و فداکاری، تحرک و انرژی حمید همرا با توانایی های جنگی بیشتر وی در امر مبارزه با عت شد که مسئولیت بیشتری به دوش بگیرد و به زودی به عنوان یکی از اعضای کمیته یا لیتی تهران انتخاب شد و مسئولیت سازمانی کمیته تا حیرت رابه عهده گرفت.

با تیا چه همه جا نبر رژیم فترتیه به صفوف سازمان، حمید از جمله کارهای مسئول سازمان بود که برای دفاع از موجودیت وادامه کاری سازمان خویش سینه خود را سپرد و نمودار آن روزهای دشوار اما موفی توانایی، تجربه و انرژی خویش را به کار گرفت تا شرایط را برای انتقال تشکیلات سازمان از حالت نیمه علنی به حالت مخفی فراهم آورد. این دوره از زندگی و فعالیت مبارزاتی حمید را به درستی می توان اوج فداکاری، تعهد، خلاقیت و تحسیرک وی دانست.

حمید که مسئولیت سازمان ندهی و رهبری یکی از گروه های مرکزی سازمان را طی این سالها بر عهده داشت با تلاش شبانه روزی خویش سعی در گسترش دامنه فعالیت و حضور سازمان درجا معسو و سازمان ندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان داشت. کاری که حمید در این سالها دشوار و خردمندانه به سازمان خویش و جنبش انقلابی زحمتکشان میهن ما انجام داد. هیچگاه از یادها نخواهد رفت و آن روز که خورشید آزادی زحمتکشان در میهن ما طلوع کند، نام حمید نیز در کنار نام مدتها و صدها انقلابی فداکاری که با خون خویش درخت انقلاب را بارور کردند، بزرگ داشته خواهد شد.

حمید منتظری، به پاس خدمات و فداکاری ها پیش در پیلنوم وسیع فروردین ۶۵ سازمان به عنوان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتخاب شد.

از حمید که در خرداد ماه ۶۰ از دواچ کورده بود ۲ فرزند به دنیا دگاری نمانده است، شکوفه و امید.

اینک قلب داغ و سوزان حمید به دست جلالان خون آشام مخمینی برای همیشه از تیش با زمانه و از این پس دیگر مید و شکوفه چهره رنج کشیده ما خندان و پدر خویش را حتی از پشت میله های زندان نیز نخواهد دید. اما امیدها زنده اند و پدر نخواهد بود آن روزی که در باغ خزان زده میهن ما نگره گرانی شکوفه های زندگی بدمند.

یادش جاودان و راهش پرده و مباد.

فدایی شهید رفیق اسماعیل پور محمدی (حجت)

کار در برجسته و از زمیندنا زمان، انقلابی پسر تجربه و فداکار، رفیق اسماعیل پور محمدی، زاده روستای جابری ن رودسر و پرورده دانا با خانوادگی زحمتکش و با کدما مین رفیق در سال ۵۲ به دانشگاه تربیت معلم راه یافت و به زودی در شمار دانشجویان پرشور و سازمانگرا ن جنبش دانشجویی چهره نمود و همچون اکثر فعالان جنبش انقلابی آن سالها، در نتیجه آگاهی و شور و انقلابی به هواداری سازمان فدائیان پیوست. رفیق به بیمانی که از همان هنگام سازمان خویش و با مردم زحمتکش بیست، تپای جان و فدا دار ماند.

رفیق اسماعیل در جنبش انقلابی مردم ایران در سال های ۵۸-۵۷ در کنار مردم پرده سپرد و پس از قیام از سوی سازمان ما مورکا در محلات و کارخانه های جنوب تهران گشت. او از نخستین مسئولین و بنیانگذاران تشکیلات جنوب تهران بود. در نتیجه استعداد انقلابی او، فداکاری و دلسوزی و توانمندی ها پیش رفیقان سازمان نش مدام مسئولیت بیشتری بردوش او نیا دند.

پس از ضربات سال ۶۲، رفیق اسماعیل مسئولیت بزرگی در جهت سازمان ندهی مجدد نیروهای فدا می در حیطه فعالیت خویش - شرق تهران - بر عهده گرفت. و در سخت ترین روزهای نبرد یکی از گروه های مرکزی سازمان در تهران راه دایت کرد. رفیق اسماعیل - که با این نام مورد پیرو مردم زادگاهش و با نام حجت محبوب همه همزمان بود - آنگاه که در سال ۶۵ جلادان خمینی پورش سراسری به فدا میان را آغاز کردند، نقش برجسته ای در کشور کردن کانتال های ضربه دشمن و سازمان ندهی مجدد نیروها ایفا کرد. در تابستان سال ۶۵ رفیق اسماعیل در جنگل جلادان گرفتار آمد. جلادان سخت شکنجه اش کردند ولی نه تنها زیا نه و بندوسیا ه حال ونه شکنجه های روحی با سارا ن جهنم را ده هشتان او را از هم نگست. او پس از ۲ سال مقاومت در برابر دژ خمینی و نظم حیوانی خلافت خمینی، با لیاقتی سرودخوان تیرباران گشت.

یادش جاودان و گرامی بساد.

فدایی شهید

رفیق عباس علی منشی رودسری

رفیق عباس در سال ۱۳۲۸ در روستای سی بالان رودسر به دنیا آمد و در دوران کودکی را در خانوادگی شهید ست زحمتکش گذراند. او از همان هنگام که برای ادامه تحصیل از روستای زادگاه خویش به رودسر آمد. فعالیت سیاسی علیه رژیم شاه را آغاز کرد. رفیق عباس در سال ۵۷ به دانشگاه صفهان راه یافت و از همان آغاز به صفوف دانشجویان پیوست. پیوست و در تمام حرکات های توده ای سال ۵۷ فعالانه شرکت جست.

در دوره پیش از قیام رفیق عباس علی منشی رودسری در تشکیلات صفهان سازمان به فعالیت انقلابی خویش ادامه داد. او از همان هنگام به جهت دقت و دلسوزی و فداکاریش مسئولیت انتشارات را بردوش گرفت. و سپس در جوار حفظ آن مسئولیت، به عنوان یک امفیان - تهران نیز فعالیت کرد. رفیق در سال ۶۱ به عضویت کمیته یا لیتی امفهان پذیرفته شد و عهده دار مسئولیت های جدید و دشوارتری گشت.

پس از ضربات سال ۶۲، زندگی مبارزاتی رفیق عباس نیز از مرحله یونینی گشت. رفیق برخورد را ز تجربه چند ساله کار تشکیلاتی و با آنگاه به شور زحمتکش، فداکاری و وفاداری به توده ها به تهران انتقال یافت، زندگی مخفی برگزید و در یکی از گروه های مرکزی سازمان در تهران فعالیت انقلابی خویش را پی گرفت. او در سخت ترین ایام یک شنه نه تنها نیازهای انتشاراتی گروه خود بلکه چندین گروه دیگر را تامین می کرد. به گفته یکی از همزمانش خانانده قلب گروه بود و وی را موبی قرار در راه نجا موظف یفی که انقلاب بردوش او نیا ده بود جانبازی می کرد.

در مرداد ماه سال ۶۵ رفیق عباس علی منشی رودسری به همراه خانواده اش به دست جلادان جمهوری اسلامی سیر شد. شکنجه ها آغاز شد و دامها یافت و لیبی عیاش لب گشود. دشمن را از دسترس بی سار سازمان و خلق بی نصیب نیا د. بیدا دگای دستگاه خلافت خمینی او را نخست به ۶ سال حبس محکوم کرد و سپس به همراه ایده سرفراز و رودخوان دیگر به سوخته تیرباران سپرد.

یادش گرامی بساد.

فدایی شهید رفیق حسن دشت آرا (حسن شرق)

رفیق حسن دشت آرا (حسن شرق) از بنیانگذاران تشکیلات شرق تهران و صنوف بود. او در او و خرسال ۵۹ به ناحیه مرکزی انتقال یافت و سپس مسئولیت دبیری ناحیه مرکزی را بر عهده گرفت. او و کسه از جوانان دیه تهران برخاسته بود و خلق و خوی کارگری داشت. به جهت توانایی و علاقه اش نسبت به مسایل کارگری، نقش زیا دی در هدا ییت بخشای تشکیلات صنوف به ویژه در ارتباط با فعالین صنفاط و کفاش ایفا کرد.

رفیق حسن پس از سال ۶۲ مسئولیت چند گروه مستقل را بر عهده داشت. او در پیلنوم وسیع سازمان (ار دیبیش ۶۵) به عنوان یکی از نمایندگان تشکیلات داخل شرکت داشت و یکی از بنیانگذاران رهنمودهای رهبری سازمان به ایجا دیک گروه مرکزی پرداخت.

در پورش سراسری دشمن به فدا میان در سال ۶۵، رفیق حسن نیز اسیر شد. او در زندان و شکنجه ها ایفا زچهره های برجسته مقاومت بود و علیرغم فشار شکنجه بسیار رشیدی، تلاش دشمن را برای بی بردن به چگونگی فعالیت تشکیلات ناگام گذاشت.

او رفیقی بسیار متین و فروتن، بسیار رد قیق و قاطع بود. شخصیت انقلابی او همرا راه احتیاط دوستانش را بر می نخبخت. جلادان رژیم در جریان قتل عام اخیر اسرا ن انقلابی، رفیق قهرمان حسن دشت آرا را به جوخه اعدام سپردند.

یادش جاودان و راهش پرده و مباد.

فدایی شهید رفیق محمود بهکیش

فدایی قهرمان رفیق محمود بهکیش در جریان پورش های اخیر رژیم به زندان ها شهید شد.

رفیق محمود، انقلابی پرا به، کار مبارز سازمان ما در مشهد تولد یافت و میا زه سیاسی علیه رژیم شاه را از او خرده ۴۰ یعنی از دوران دانشجویی آغاز کرد. از سال ۵۵ در دانشگاه های فراوان ابتدا به جیره های فعال جنبش دانشجویی بود. رفیق محمود نخستین با در سال ۵۱ توسط ساواک دستگیر شد و در دوم در ارتباط با نظا هرات ۶۲ آذری ۵۲ بازداشت و به یک سال زندان محکوم گشت.

محمود از همان آغاز فعالیت سیاسی راه سازمان را برگزید و سورا نجا در سال ۵۵ - آن هنگام که تجربه چند ساله مبارزه صنفی و سیاسی را پشت سر داشت با سازمان ارتباط یافت. ولی چندین بعد مجددا دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه های فراوان ابتدا به حبس ابد و سپس به ده سال زندان محکوم شد. او نیز همچون جمع کثیری از زندانیان سیاسی دوران شاه، در آستانه انقلاب راهی یافت و پس از قیام فعالیت انقلابی خود را در سازمان ادامه داد.

رفیق محمود پس از ضربات سال ۶۲ توسط جلادان خمینی بازداشت شد و سورا نجا پس از ۲۰ سال نبرد در راه های مردم، در کنار سایر زندانیان سیاسی، به همراه برادرش رفیق علی بهکیش (از فعالان سازمان چریک های فدایی خلق ایران (اقلیت) تیرباران شد.

با شهادت رفقا محمود و علی بهکیش، خانواده بهکیش ۶ عزیز خود (۵ فرزند و یک داماد) را از دست داد.

مردم ایران فداکاری و جانبازی ایستاده قهرمانان را قرا موش نخواهند کرد. آشه در راه مردمشان و برای آزادی و بهروزی مردم شهید شدند. یادش جاودان و راهش پرده و مباد.

چند اشتباه در لیست شهیدان

به واسطه محدودیت شدید امکانات خبرگیری از یکسو و لزوم انتشار سریع و به موقع اسامی شهید و هویت سازمانیان از سوی دیگر، در تنظیم لیست شهیدان، منتشره هر کار چندا شنباه صورت گرفت که بدینوسیله اصلاح می شود:

- ۱- طبق آخرین خبرهای رسیده، نام های زیر جز اعدام شدگان نیستند: ۱- مجتبی سراسری ۲- احمد قویدل ۳- سید حسن سعیدی ۴- علی اکبر مازنی بناب ۵- محمود حسن پور. متاسفانه نام آن در کار ۵۹ جزو لیست اعدام شدگان درج گردیده است.
- ۲- ضمن بوزش از این اشتباه هجی، نسبت به خطری که جان این پنج نفر و دیگر زندانیان باقی مانده در زندان های رژیم را تهدید می کند، به همه میهنان و همه مردم و محافل ترقیخواه جهان هشدار می دهیم.

پیام حزب دمکراتیک خلق افغانستان

به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفقای گرامی،

با درود و یغ بسیار خیرشادت رفقای در بند توده ای فدایی و سازندگان سیاسی راکه اخیراً در زندان های جمهوری اسلامی ایران با نقض صریح اصول و ارزش های منشور دینشورستان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و موازین تمدن بشری اعدام گردیده اند، دریاقت داشتیم.

کمیته مرکزی حزب دمکراتیک افغانستان همه اعضای حزب ما و تمام نیروهای مترقی و صلح دوست جا معاً فدائی خود را در این غمورنج سرداران ایرانی شریک می دانند و ما توبت تسلیم و همدردی خود را به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همه رفقای ایرانی و خانواده های با شما زندگان رفقای اعدا شده بر زمین دارند.

این اعدا های گروهی زمانی صورت می پذیرد که تراژدی جنگ طولانی برای در کشی ایران و عراق که نمودار و تکرار اوان جانکا هو ایرانی همای عزیز برای مردم ایران و کشورهای رجا بوده، متوقف گردیده است. عاقلانه می بود اگر رهبری جمهوری اسلامی ایران با درس های فراوانی که از گذشتنه گرفته شده می توانست و با در نظر داشت رنج بیکرانی که مردم ایران با شما است آن را به دوش می کشند نه کشتار بلکه راه بی زندان سیاسی را در دستور روز قرار میدادند و به حیثیت و کرامت انسان احترام می گذاشتند، ولی آنها متاسفانه راه بی سرانجام را در پیش گرفته اند.

تاریخ مبارزات قهرمانانه و شجورانه افتخارات مردم ایران با رها شت نموده که ظلم، بی عدالتی، اختناق و زندان، شکنجه و اعدام نمی توان ندون خود اهد توانست ارا در مردم ایرانی برای دستیابی به دمکراسی، عدالت و برتری در هم شکند.

با با ور به اینکه قدا مات هما هنگ همیه نیروهای سیاسی ایران می توانند از ادا مفا جمه اعدا های ظالمانه و غیر انسانی جلوگیری کنند، ما با صدای رسا همبستگی خویش را با شما اعلام میداریم

اندیشه، روان، احساس قلب و وجدان انسانی حکمی کند، منافع و مصالح امر صلح، امنیت و عدالت می طلبند تا جامعه بین المللی برای متوقف ساختن کشتارها و اعدام ها در زندان های ایران به اقدامات متوسل و ضروری دست زند.

ما همدا با شما رفقا از جامعه بین المللی می خواهیم تا بی درنگ در این جهت تمام نیسرو و امکانات خود را به کار اندازند.

ما با صدای رسا اعلام می داریم که این اعدا ها و هر گونه عمل خلاف عدالت و کرامت انسانی را محکوم می دانیم.

- درود با دبه آنانی که با خا طرسا دت و آزادی انسان برای مقدس ترین آلمان همسای انسانی بی هراس می رزمند.

- درود بر روان پاک شهدای گلگون گفتم ایرانی

با درودهای گرم رفیقان حزب دمکراتیک خلق افغانستان دسامبر ۱۹۸۸

تفکری که دارنده جنبه های بیشتری از فساد دواختانت و تبهکاری رژیم برایشانند، تا دنیا چنانچه تکرار شود و تا ما بدجبهه جدیدی در کشا کشیم پسای درون هیا تا حاکم های می کند، چه هیه ای که خودخواه ترین مدافعان و ولایت فقیه را زیر فشار قرار میدهد.

منتظری به عنوان جانشین رسمی و اسمی خمینی می با سبت در شرایط خاصی به این اقدام دست زده باشد، شرایطی که او را با قدا مات از نسوع معترضین درون هیا تا حاکم بر می انگیزد، رونسود رویدا دهای ماهی اخیر حاکی از افزایش سنش و مداومت در رفتن انی و کاهش نفوذاتیشی منتظری در حکومت بوده است. اکنون رفتن انی نه تنها برای پست ریاست جمهوری خیز برداشت بلکه اندیشه فیه قدرت ولی فقیه را در چار چوب یک شورای جانشینی در سمری پروراند، مردم ایران از رژیم ولایت فقیه و از ولی فقیه یوا "شورای فقها" منتظرند، تبهکاری های که در این ده سال صورت گرفته قبل از هر چیز از ذات فساد و شیطانی و ضد بشری رژیم استبداد آذخوندی آبی می خورد. با هیه ادعای خیری می توان رژیم را که ذات مستبد و فاسد است به راه راست یعنی به راه مردم مدارت کرد. تا این رژیم را بجا ست سرکوب ها و کشتارها به تشکیل گوناگون می توان نداند و می باید، از این وره رگی که به بخوادند ای جدی به دفاع از مردم ایران برده شد با ی دند ای خود را بانی استبداد مذهبی خونسودی همرا سا زد، همه واقعبیت ها نشان می دهد که می توان هم صلح دوست و از خودخواه و عدالت بزوه بود همسم طرفدار رژیم ولایت فقیه. راه آزادی و سپروزی مردم ایران از ویرانه های رژیم استبداد ای حاکم می گذرد.

بیشتر از ده نسته ها و معلوماتش، چهره انسانی و شریف او بود که می نمود، انسانی متواضع و فروتن، دلسوز و دوستدار مردم و عاشق حریش بود، بر کسار و آرا و بر شور و معظم، این جان کلام در باره نیک آتین است.

هموارها زما جرت به تلخی می گفت، هرگز ما با دکرا با برنگ یا رودبار، می گفت، ما با از امد که تن به خاک و وطن بسیار، مرگ با جان و دل پذیریم تا در میان خاک میهنم جای گیریم. آنچه را که می گفت می کرد و کرد. این از خصا نیک آتین بود.

به زندگی و خانوادش عشق فراوان داشت، این عاشق زندگی و دوستدار مردم دور از همسر و فرزندان می زیست، و عکس های آنها را همسواره همواره داشت. روی میز عکس پدر و پدرو اراق اش عکس بزگ خسر و روزبه قهرمان ملی ایران بود.

جدی قیل از دستگیری آنگا که توطئه های ساواک خمینی در یورش به حزب توده ایران حدوداً آنکا شده بود، امیر سخت نگران بود، شم، ستوری سیاسی او از ابتدا چاهه خبر می داد، می دانست که برسر مردم و انقلاب چه خواهد رفت. آن روزها می گفت: "یک بار در آتوبیس و ادهنگ می که به فکگر فاجع ای که در رویش است فرورفته بودم، با اختیار های های گریستم، مردم به او نگرسته بودند، تصور می کردند عزیز را از دست داده است، بپیرمرد زحمتگفتری در کلماتش می شنید می گوید و آرام کند، امیری کندی یکبار ز به رواداده و فیه می که مرسوم با ما هستند و قاضی نهایی آنها بند. رفیق نیک آتین بسیار بر قضاوت مردم متکی بود، تجربه و در سهای شکست سال ۲۲ و پس از آن را با شما موجود است و موخته بود آگا ها به به کار می گرفت.

امیر سرا با احساس و عاطفه بود، در هر سروز ادبیات سر رشته داشت. در محافل دوستانه بذه که خوش مشرب بود، رفقا از زندان می گفتند: وقتیشی انوش را کشند، امیر تنها شده بود، کلافه بود از این که زندان است نه چندان خرسند، برای ما میا مفرستاد که با انوش بود ما قهرمان بود. با انوش و همسایون در زندان روحیه ای فریاد تنه امورا حترام بودند، ارادته انوش بر زندانها و شکنجه گران پیروز شدند.

دشمنان ما را تحقیر کردند. بعدها هنگ می که با جدا جدا بیت در خمینان خمینی حلا در زندان ها افشا شود آد مگتسارن به پای میز ماکه خلق کشیده شوند، قهرمانی های اس مران بزرگ با شما عظمت و بزرگیش روشن خواهد شد.

رفیق نیک آتین رفیقش را شنید و مطلع بود، کتب و آثار زیادی از او به یادگار مانده است. در دوران مبارزات خوب و موخته و کار کرده بود، سا لیا در ادبوی بیک ایران قلم زده و گفتار خواننده بود، سال های آساتش را نیز آگا ها نه و هدفتند گذراند.

آنجا که رسالتش با ی بر می و ایستادگی بود، استوار ایستاد. او افتخار بسیار، ایستاد و خاطرهای گرامی بسا د.

عمر جمهوری اسلامی، علیرغم توصیه های در مسورد ضرورت برخی تعدیل ها در قبال نیروهای سیاسی و زندانیان، هرگز نه تنها به خود جرات نداد "مصلحت" ندانست که علیه همه خونریزی کلامی آشکارا بر زبان آورد، بلکه در غالب موارد با خمینی همصدا شد و خصوصاً آنجا که به کشتار و مرگ و موثر ترین نیروهای ترقیخواه می رسید، نظراتش قیام میداد شده است، او حتی به سود "امام" بر اعدا مهدی هاشمی سردفتر خود نیز مهربانانه شنیدگذاشت، اما در جریان تبهکاری های اخیر خمینی - رفسنجانی جو بیباک روخن تا در خانیهای ایشان امتداد یافت و ضربه ای سنگین بر او وارد آمد، او که قبل از این تا طرددمشقی های ولایت فقیه علیه سایر نیروهای سیاسی بود، این بار می بیند که نزدیک ترین یاران خودش نیز آماج همان ددمشقی قرار گرفتند، منتظری خود مدتی در زندان تا شده است و بسیاری از سایر زین اعدا شده در می شناسند، او قهرمانی کومنیست ها و مجاهدین اعدا شده را دیده و می دانند که ایران در برابر شهیدان خود ساکست نخواهد داشت، کشتن سعید سلطان پور و سوادتشی، کشتن انوشیروان لطفی و مهراکشاها بالیدن، کشتن ابوتراب با قرآ و هیهب الله معینی، کشتن هزاران فرزندیرومنو و پاک نهادین میهن به خون تبیده می باخ خواهد آمد، بو آنکه بتوانند بعد جرات و ادب با بد از با سخ ایران به خودخواهد لرزید، اعتراف علنی منتظری به قتل تمام اخیر نشان از نشانه های زلزله است که ایستادگی تبهکاری ها در ایران رژیم پدید خواهد آورد.

چنانچه اعتراض منتظری مانگو به باشد که منکس شده یک اقدام مثبت است، این نخستین بار است که در میان سران جمهوری اسلامی ندایی آشکارا به مخالفت با کشتار بلندی می شود. این ندا هر چند ضعیف و حتی مصلحت طلبانه نباشد، باز زهدارای اهمیت جدی است، چرا که اولاً در میان مردم مسلمان که هنوز سیرا فسون آخوندهای حاکم هستند، تا تیشتر جدی می گذارد و دوماً تبهکاری کمکی می کند که با همان شیوه

یاد شهیدان توده ای گرامی باد!

در میان اسامی شهدای که تا اکنون به دست آمده است، رزمندگان متوفی حزب توده ایران بسیارند.

چنانچه تا تعداد زیادی از رهبران، با درها و عقای حزب توده ایران را کین توزانسو بیانه کشند، در میان شهدای حزب از جوانان تا انقلابیون سالخورده و بی تجربه به چشم می خورند. رژیم ایران هر که بود اعدا گردند، تقریباً همه رهبران حزب توده ایران و همه کادرهای با سابقه وفادار حزب را اعدا کرده اند.

بشریت ترقیخواه در حیرت از این وحشیگری می سبقت و اقدامات رژیم را با نفرت محکوم می کند. بسیاری از توده ای های اعدا شده چهره های برجسته و مقاومت در زندان بوده اند و همه آزمون های حشیا نه رژیم را دلیرانه پاسخ گفتند و سراسراز بیرون آمدند، از آن جمله شهید توده ای امیر هوتک ناظمی به نامی سمبل ایزایداری و جانشینان بین شهیدان بود.

با دواره قهرمان توده ای رفیق شهید میر هوتک ناظمی (نیک آتین)، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران:

صدیاب در خون قهرمانان است آن کسان که مردن در نبرد مدا با عفان و جان کفان این نظام فاسد را بر مردن با مرگ تدریجی یک گذران منگوب، مطیعانه و برده وار مرصیح شسرد (لنین)

نامش سزاوار زندگی بود، نیک آتین، آتین یک دفاع از مردم و آزادی، آتین نیک یابیداری در پدما مردم و با حریش، آتین نیک ایستادگی و ایامردی، این بود راه ورسم نیک آتین. درود کرده در شکنجه کا شیطان، کوه مقاومت بود، هیچگاه رجما زنا نه های خون آلودا میر لنگزید، با با های خمی، استخوان های شکسته، و زخم های باز ایستاده است " تا رسالتش را به پایان برد.

اورا می بینم که در راه های کمیته و او این تا نت و استواری رهمی بود، اورا می بینم که شوق رفقا در مقاومت و ایستادگی است، اوست که با حترام و اعتقاد به آمان بزرگ اش دشمنان را می گوید، امیر است که با ایستادگی و پذیرش مرگ در داغ ننگ و تبا می بر چهره دژ خیم می زند، امیر که در کتا ریدگر همزمان در کتا را نوش و صد درد کتا رچرمانا نه توده ای روز به تیزی، با با قرآ ده... آنچه اها گشا ده و ممشقی گره کرده ایستاد است. رفیق نیک آتین شخصیتی قوی، انسانی و پریان داشت. بیشتر از خصا نل برجسته انقلابی اش،

اعتراض منتظری به کشتار زندانیان

قتل عا مپیدا دکرا نه زندانیان سیاسی بران که در خواش اعتراض جها تنیان را برانگیخت و رای نفرت بشریت را به سوی جماران سراسر برد، سرانجاما ششین خمینی را نیز به اعتراض ادا شت، منتظری که خود در جریان تبهکاری های رژیم خمینی ادا د، شوه سردفتر، مشاور سیاسی سمی، رشک مخصوص وعده دیگری از نزدیکترین کسان پیش را از دست داده است، بنابه گزارش مطبوعات بخش مسرد و مرغوب، در نامه های سرگشته که کشتار زندانیان سیاسی ایران مخالفت کرد، مقامات جمهوری اسلامی کتکون در تا شنیدیا تکیذ انتشار بین تا میهی و اکشن رسمی از خود نشان داده اند.

منتظری در نامه مذکور بر سریده است: "برای س کادام لیل قائل که کشنده و بیه موجب کادامقا نون توصیف شده بین اعدا های بی رویه انجام می گیرد؟" منتظری در نامه خود تا شنید می کند که: از زمان قبول آتش بس یسل خون در ایران جاری شده است و در بسیاری وارد زندانیانی که به دلیل جرم کوچک سیاسی و ران حکومت خود را سپری کرده بودند در شرف زاددن بودند، به خوفا اعدا سپرده شدند. منتظری را این تا مگفتند است: من مخالفت عمیق خود را با این اعدا های بی رویه اعلام می دارم و مطمئنم اگر کمک اکثریت ملت ایران در این مخالفت شریک شدند.

اینکه کسی از میان حکومتیان بی وجدان بیتدا و ده که تبهکاری های خمینی - رفسنجانی را مسورد نتفا دکرا ردهد، به حق توجه بر انگیزات، منتظری که واد زینبیا نگذاران جمهوری اسلامی و جانشینان برجای خمینی است و به همین اعتبار به جانشینی ولی فقیه "گزیده شد، اکنون در کین نبرده قدرتی سیرا شنیدیا رفتن جانی است. منتظری که ده سال

اجلاس همکاری و امنیت اروپا

وزاری امور خارجه ۳۵ کشور شرکت کننده در اجلاس امنیت و همکاری اروپا (از جمله امریکسا و کانادا) در روزهای ۲۵ تا ۲۸ مه ۱۹۹۸ در وین، با بیخت آتریش سندنهیی اجلاس را بهتمویب رساندند. جریان مذاکرات دشواری که بیشت از ۲۷ ماه بهطول کشید، پس از طی مراحل نهایی خودبه توافق نامه ای انجام میدکها سا سن اعلامیه نهایی هلسینکی در سال ۱۹۹۵ است. سندنهها در همگاری های کشورها ی اروپایی و امریکا وکانادا در جهت تحکیم امنیت تمام کشورهای شرکت کنندو همگاری وگسترش رابطه در عرصه اقتصاد، تکنولوژی، محیط زیست و همکاری و همیاری در اما ن مین حقوق بشر در این کشورها تا کیدد ارد. از جمله در کنفرانس برسرکارت های سلاحها ی اروپا تمی در اروپا توافق بسه عمل آمودنتیجتا راه برای انجام مذاکرت ه ی سمن کشورهای غنوبیمن ورتوونا توهوا وگر کید سمن کشورهای افغان کنند ه سمن متمهد سندنهها بقا دیهمن زار د کشورهای خود در رابطه فیما بین با سمسر کشورها به مرحله اجرا در آرتند. سندنهمن به سر یک از کشورهای این امکان را میدکهد که چنانچه کشوری از اجرای مفاد سر با زنده، مقامات آن کشور را مورد مآخذ قرار دد.

وزاری امور خارجه کشورهای شرکت کننده هر یک در نقطه گوی یا بیانی اجلاس با تا کید سمسر پابندیی کشورهای دولت ها بر مفاد سمن، به جهات گوناگون همکاری ها و اشکالات مناسبی که تساهل بین کشورها موجود بوده، اشاره داشتند. از جمله وجود فضا ی مناسب در کورهای بلوک شرق در راه اما مین حقوق بشر و برقرار ی اجلاس بین المللی حقوق بشر در سال ۱۹۹۱ در مسکو با آ وگر کیددند. وجود "دیوا برلین" توسط وزیر خارجه انگلیس مورد انتقاد قرار گرفت. وزیر خارجه شوروی، شوارد تادزه در در این اشفاقا گفت، بکذا ریدد کشورهای حق داشته باشد چنانچه صلاح بداند، مرزهای خودش را داشته باشد.

رسانه های تبلیغی غرب، با بهره گیری سیاسی از ناآرامی های اخیر جنگلواکی که همزمان با روزهایی یا بیانی کنفرانس بود، برجسته کردن آن، عملا توافق های به دست آمده در کنفرانس را در عرصه های دیگری تحت اشفاقا این امر قرار دادند. به خصوص این که دولت رومانی نیز با تفسیر متفاوت ویا اشتباه موضوع متفاتی که نسبت به برخی از مواد سندنهها را داشت، زمینه بیشتری برای بهره برداری تبلیغی رسانه های غرب فراهم کرد. دولت رومانی نیز بر اثر آتساف کردار این که هیچیک از بیشتنها دانا سن کشور در رابطه با حقوق بشر ما سندنهمن کار، تربیت نسل جوان، دستمزد مناسب و برقرار ی رسا و، تامین مسکن برای کلیه شهروندان و دستیابی همگانی بسه امکانات و تکنولوژی مدرن به عنوان تعهدات عادی کشورها مورد توجه قرار نگرفته و مواد مفاسر با اصول و روح سندنهیی هلسینکی در فدا کج گانده شده است که عملا مادا خلد در امور داخلی کشورها بسه حساب می آید.

همزمان با تصمیمات کنفرانس، اشفاقا دشواری اعلام کرد که ۲۴۰۰۰۰۰ سر با زان نیروهای اتحاد شوروی مستقر در اروپا شرقی و بخش اروپایی اتحادسواد شوروی گاسته خواهد شد و ۴۰۰۰۰۰ سر با زان شوروی از خار و در خارچ خواهند شد و ۶۰۰۰۰ از بیشتنهایی اتحاد شوروی گاسته می شود. از بیجده فضا ی اتحاد شوروی ۱۴/۲ و ۱۹/۵ کم بوده مخصوص تبلیغات نیز ۱۹/۵ کم خواهد شد. مقامات شوروی همچنین اعلام داشته اند که هنگام خروج ۵۰۰۰۰ سر با زان شوروی از آلمان شرقی و مجارستان و جنگلواکی این نیروها سلاح های هسته ای کوتاه برد و توپخانه مجهز به سلاح های هسته ای را به تدریج همراه خود از این کشورها خارچ خواهند کرد.

این تصمیمات بلوک شرق در داخله سلاح همگانی به بیوزها زان لحاظ چنانها همیت است که علیرغم به وجود آمدن پاره ای عوامل مثبت در این اواخر، مسابقه تسلیحاتی بدون هیچگونه رسد رادع وماننی بیوزها زان طریق مدرنیزا سیون انواع سلاح های هسته ای و شیمیایی و معمولی از جانب غرب ادامه یافته بود. اکنون کشورهای بلوک غرب علیرغم تردیدها بی که زان تصمیمات و اقدامات برای می کنند، نمی توان سندنهها ی تصمیمات را بسدون پاسخ مثبت بگزارند. همه واقعیات نشان میدکهد که در شعاع تفکر جدید اتحاد شوروی و برخی دیگر از کشورهای سوسالیستی چشم اندازهای عظیمی را برای اما مین صلح و امنیت و همکاری شرمبختی چه در اروپا و چه در جهان گشوده اند. گسترش این تفکر در سیاست خارجی غرب یک ضرورت میرام است کسسه مقامات در برابریان هر روز دشوارتر می شود

روندهای بفرنج در افغانستان

شهر دومیلیونی کابل، با بیخت افغانستان قریب سه هفته است که در محاصره کمبودنا و دیگر سر قوم افغانی قرار دارد. نیروهای ضد حکومت سوسی افغانستان بقصد رندنبا بستن شاهرا ملی تا مین آذوقه وسوخت و ایجاد قحطی در شهر، مرددرا به ستوه بیا ورتند. سرمای سخت وبی سا بقه نیز مشکل را دوجندان کرده است. علیرغم ارسال لایتنقطه مواد غذایی وسوختا زحانبنا اتحاد شوروی به کابل، مردم هنوز در نگرانی سخت به سر می برند.

اشفاقا دشواری و دولت افغان سنان با نزدیک شدن تاریخ نهایی خروج نیروهای شوروی، همسه تلاش خود را به کار گرفته اند که با راه حل سیاسی، مسئله افغانستان فیصله یابد. مذاکرات دوجانبه بین نمایندگان اتحاد شوروی و نیروهای مخالف دولت در پاکستان، عربستان و ایران نیز مذاکره جدامان کرده است. علیرغم ارسال لایتنقطه مواد غذا یی وسوختا زحانبنا اتحاد شوروی به کابل، مردم هنوز در نگرانی سخت به سر می برند.

در این میان رژیم خمینی نیز که در این سالها به علت جنگ با عراق از بیاضی افغان سنان با در رابطه با افغانستان (در مقابله با پاکستان) سرکنکار مانده بود، اکنون به فعالیتهای خود در این عرصه افزوده است. ملاقات مقامات جمهوری اسلامی با اورونتسف معاون اول وزارت امور خارجه شوروی و بارهبران نیروهای ضد حکومتی افغان سنان در دهستان و بگرام، ی سمن راتی در تهران و بیرون مسئله افغانستان، بیانگر تلاش های رژیم ایران برسرای بیاضی نقش بیشتراست.

در سمنه ی که توسط وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی بگزارند، رهبران اشفاقا هتگاهنه مقیم بیشترا و اشفاقا هشتگاهنه طرفدار رژیم جمهوری اسلامی و آقاها ی وزیر امور خارجه سابق پاکستان و سببیا ریدد کارگزاران کپاها در امور افغان سنان اطلاعات ومطالعاتی داشته اند، از سرکشورهای شرکت کردند. خامنهای رئیس جمهور ولایتی وزیر امور خارجه رژیم در بیما یجا که نه به سمن رسان تا کیدد برایش که خروج نیروهای شوروی گام مثبتی در حل مسئله افغانستان است و مذاکرات "ما هدیسن افغانی" با نمایندگان اتحاد شوروی با یجادا مسه یا بد، از زور کیدد یک "حکومت اسلامی" در آن سرزمین تشکیل گردد و در رابطه نزدیک یاد و کشور همسایه داشته باشد و در آن صورت ایران و پاکستان مشترکاً ماده خواهند بود در راه "بازسازی افغانستان" سمنه های لازم میکنند. خامنهای در بیما خود، رسدته های هر دو اشفاقا هتگاهنه وهشتگاهنه را بر حذر داشت که کمتر با همدیگر نفقات کنند.

مقامات رسمی جمهوری اسلامی در سوای ایجاد یک "حکومت اسلامی" در افغانستان با به میندگان گذاشته اند، آنها می خواهند خود را در سرزمین همسایه مستقر کنند تا مردم مصیبت دیده افغان سنان پس از راهی از یک جنگ ده ساله تحمیلی در دست غنیرت های ارفقا رژیم خمینی گرفتار آرتند و بر سر مردم همان برود که بر مردم ایران در ایسن ده سال رفته است.

و اما محبت اما ملی برسرای جاد حکومتی است بی طرف و غیر متمهد که هم نیروهای مخالف وهم دولت فعلی افغانستان در آن خود را داشته اند. مذاکرات مستقیم بین نمایندگان اتحاد شوروی و نمایندگان نیروهای مخالف دولت افغانستان می توان سست چشم انداز چنین راه طری را بگناید، ولی با قاطع مذاکرات از جانب نیروهای مخالف دولت، وضع بغرنج تر و مشکل تر شده است. بیوزها بین که ایسن قطع مذاکرات با افزایش فشار به شهر کابل همراه شده است. هم شوا ر دنیا دزه، وزیر امور خارجه شوروی در سفر خویش به کابل وهم نجیب الله، رئیس جمهور افغانستان مجددا تا کیدد کیدد که خروج نیروهای شوروی بی تا خیر ادا مه خواهد یافت. آنها اعلام داده اند، اگر چنانچه علیرغم همه این اشفاقاها نیروهای مخالف خواسته باشند، همچنان به فشار مسلحه به خود علیه دولت ادا میدهند، چاره دیگری جز مقابله با آنها نیست. ورنیسف، سفیر اتحاد شوروی در کابل ابراز داشته است که در این حالت کمک های نظامی شوروی به افغانستان ادا مه خواهد یافت. ساید کوشن ها در داخله دلانه وسببای مسئله افغانستان به بیوزها زحانب نیروهای که احساس مسئولیت بیشترا نسبت به زندگی سرونوشت میلیون ها مردم افغانستان می کنند، همچنان دنبال بود. اکنون که حل مسئله افغانستان مراحل پایانی سرونوشت سار خود را از سر می گذارند، تلاش ها باید از جمله متوجه این نکته گردد که در عین حال موش کدون یک کانون درگیری منطقی است، مردم این کشور امکان آن را به دست آورند که خود را کم برسرونوشتان شوند و زانفادن به دامن حکومتگاری کمال خود را از بیما ی رژیم شوروی در پاکستان، افغانستان و سایر عوامل سبب شده است که جمهوری اسلامی خواهان گسترش روابط دو کشور شود

وقتیکه خمینی ... بقیه از صفحه ۱۵

مسلمانان ناآگاهانه را که هر چه بیشتر از آنچه خمینی خود را شعار آن میداند، روی گردان می شوند، از پشت کردن به حکومت اسلامی با زارادروا شستاراما همچنان در شوم نگیدارد.

برای سوسالیسم چونیش توسا زان شوروی که کمونیت هات آن رهبری می کنند، افتخار برتری است که به مخالفان عقیدتی خود آزادی میدهند. گسترش آزادی ها، از جمله آزادی وجدان، محمول توسا زان و سبب کمونیت های شوروی است. در مقابل این، ننگ جمهوری اسلامی، بیونی خمینی و ناتوانی سنیادی ایدئولوژی اوست که کمونیت هسا و مسلمانان را قتل عام می کند.

پیام هویت حاصل آن زمانی روانه شوروی شد که اعدا های بی شمار زندانیان سیاسی ایران جاری بود، انتخاب چنین زمانی برای دادن پیام و بیوزها فرستادن یک هیات بیوزها زان سوسی خمینی، شمی توندا انگیزه آخوندها درپا شیدن تخم سمدگمانی از اتحاد شوروی در بین نیروهای مترقی ایران در ارتباط نباشد. اینهم نمونه دیگری از مکاری خمینی است.

دشمنی با هر آنچه مترقی است، عنصر همبستگی اندیشه و عمل آخوندهای حاکم است. اما آنچه مضحک است رهمندها ی خمینی به کمونیت های شوروی است. مضحک تراز همه این است که آخوندها، سمنه های شوروی چند خبر به قم بفرستند تا سمنه مشکلات خود را در آنجا در یافت کنند، بگانه یا سخا قعی و شایسته به این آرای فیت و برای شاندن "اسلام ناب محمدی" مورد دعای خمینی که قتلها مزندانی سیاسی آخرین تجلی آن است، مطلع کردن مردم شوروی از جنایات داشمی جمهوری اسلامی است.

تنها و تنه به این وسیله می توان ما هیت جمهوری اسلامی را به مسلمانان وهمه مردم شوروی شنا ساند. تا مردم شوروی آگاه شوند که آنچه خمینی برای حل مشکلات شوروی تجویز می کند، چگونه سببگار تر بفسن رژیم معا مرجان را که فقط با نا زیم قابل قیاس است، برسمن ما حاکم کرده است.

اما آنچه در بیما مراحت طرح شده و به ایسن دلیل بسا این اقدام خمینی اهمیت سیاسی مهم داده است، ولی تلاش شده در زیر تبلیغات شدید ضد کمونیستی توجه اشفاقا نشود، تقاضای خمینی برسرای گسترش روابط با شوروی است.

چرا جمهوری اسلامی که از بساخ مثبت بسه درخواست همبستگی شوروی برای گسترش روابط اکراه داشته، حالا خواهان روابط شده است، چرا ایسن تقاضا توسط خمینی طرح شده است. در حالی که می توان سست اجماری عادی دیپلما تیک و دولتی مطرح شود؟ در این رابطه قبل از همسایه یه ایسن واقعیات اشاره کرد که ایران، ایران شده ویا زسازی آن مبرم شده است. اما وضع اقتصادی شوروی سیم است و دولت فاقد قدرت ادعالی و ارزی کافی است. علاوه بر این جلب حمایت کشورهای غربی نیز تا امروز به واسطه کشاکش های درونی رژیم، به کندی بیشت می رود، حتی ایات رژیم وقت عملا مخریزندانیان سیاسی افکار عمومی جهان را علیه همکاری با رژیم جمهوری اسلامی برانگیخته است و این امر نفی گزارد دولت و شرکت های بزرگ غربی همکاری دلخواه با جمهوری اسلامی را براه حق و بدون مشکل تا مین کنند. در این شرایط ایران رژیم جمهوری شده سندنهها مناسبات با کشورهای سوسالیستی را ترمیم کنند و در پی جلب حمایت و کمک آنان باشند. گسترش دیدار های مقامات رژیم و کشورهای سوسالیستی، اشفاقا سن این واقعیات است.

در زمینه تحول روابط شوروی و ایران در شرایط کنونی، نقش دوما ل دیگر نیز قابل تا کید است. عامل اول بین بست مذاکرات صلح ایران و عراق است، رژیم عراق مانع ادا مه مذاکرات است. در حالی که جمهوری اسلامی به دلیل وضع دشوار داخلی نیاز مند آن است. جمهوری اسلامی در موقعیتی نیست که دورتازهای از جنگ با عراق را تحمل کند. به همین دلیل رژیم تلاش دارد که بین بست مذاکرات صلح را از راهی دیپلما تیک بشکنند. در این راستا جمهوری اسلامی به کمک شوروی چشم دوخته است، مسئله مهم دیگر، واقع کنونی افغانستان است. دولت شوروی خواهان حل سیاسی مسئله افغانستان و خروج کامل قوای شوروی از آن کشور است. اما اشفاقا هتگاهنه از حل سیاسی مرضی الطرفین خودداری می کنند. در این موقعیت، جلب حمایت جمهوری اسلامی برای سوق دادن اشفاقا هتگاهنه به کدرا ایران مستقراست و از آخوندها دستور می گیرد، دارای اهمیت سیاسی است. در این شرایط سران رژیم که از رژیم همبستگی این بوده که طرفداران خود را در افغانستان به قدرت برسانند، در پی گرفتاری امتیاز وسیع استفاده از زمین نیت شوروی هستند، تا سیدا ره متحقق نقشه های خود را در افغانستان هموار کنند. مسائل فوق و سایر عوامل سبب شده است که جمهوری اسلامی خواهان گسترش روابط دو کشور شود

مبارزات سازمان پیشگام فعالیت می‌کرد، توانسته بود در محلات شهرهای ترکمن صحرا و بیش از صد روستای پرجمعیت منطقه به احداث کتابخانه‌های محلی و روستایی همت گمارد.

مبارزات زحمتکشان منطقه با نقش عملی سازمان زمانه مبارزات سازمان، مبارزات سراسری طبقه کارگر ایران و جنبش خلق‌های مبارزمیهن مان بی‌بوندی فته بود. تحولات دمکراتیک و انقلابی در ترکمن صحرا، از جنبه‌های مختلف بر مبارزات آنان تا ثبوت خود را می‌گذاشت، مرتجعین و زمینداران بزرگ کوه با یگان‌های درمیان توده‌ها ندا شدند، در پی به اجرا درآوردن نیات شوم ارتجاعی خود، با تکیه بر سازمان آموزش دیده خمینی و با حمایت ارتش جهت برهم‌زدن وضعیت منطقه، جنگ خونین دیگری را بر خلق ترکمن و زحمتکشان منطقه تحمیل نمودند. رژیم چنانکه رخمینی و دشمنان عدالت و دمکراسی با قهر و سرکوب و کشتار و تهاجمات به فعالیت‌های علنی و گسترده ارگان‌های انقلابی و دمکراتیک پایان دادند، اما علی‌رغم توطئه‌های مکرر و اقدامات سرکوبگرانه و تحمیل جنگ‌های خونین، سازمان ندهی نیمه‌علنی و مخفی فعالین سازمان، شوراها و اتحادیه‌های دهقان به دهقان به شیوه و عرصه نوینی از مبارزات عدالتخواهانه خویش گام‌ها نهادند و با اتکا بر تهاجم خونین خود با هوشیاری تمام توطئه‌های زمینداران و ارتجاع حاکم را به شکست کشانیدند.

به دنبال اقدامات سرکوبگرانه رژیم فقیها جمعی از فعالین منطقه به زندان‌ها افتادند و با تبعید گردیدند و تعداد دزبانه‌های جوخه‌های اعدا سپردند.

رژیم خمینی در سال‌های اخیر برای به شکست کشانیدن مبارزات شورایی زحمتکشان و در جهت استقرار رهنماهای ارتجاعی و ضد مردمی، توطئه‌های رنگارنگی را به اجرا درمی‌آورد. زمینداران و سرما به داران آن‌ها را در نظر رتضیف و تلاشی شواها وصف متحدان آنها را به سر می‌برند. پس از ده سال کشمکش و مبارزات خونین، هنوز هم هیچ‌گونه قانونی از طرف رژیم برای واگذاری زمین‌ها به کسانی که سروری آن‌ها را می‌کنند به اجرا درنیا آمده است. رژیم خمینی خواسته‌های اصلی و اساسی دهقانان را با توجیهاتی از قبیل "مصلحت اسلام و رژیم" و غیره به با دفراموشی سپرده است. استراتژی رژیم فقیها دفع زمان، تضعیف و تلاشی بی‌بوند شوراها با زحمتکشان و در نهایت برگرداندن زمینها به مملکتین و غاصبین باقی می‌باشد.

خلق ترکمن و زحمتکشان منطقه که برای زمین و آزادی و تحقق مطالبات ملی و فرهنگی و تامین حق تعیین سرنوشت تجربه‌سرشاری را پشت سر دارند و در این راه فرزندان دلاور و استینی را از دست داده‌اند با تکیه بر دستاوردهای وحدت بخش مبارزات شورایی و بهره‌گیری از شیوه‌ها و اشکال متنوع و منطقی سر شرایط کنونی منطقه، همچنان مبارزات حق طلبانه، دمکراتیک و عدالتخواه خود را ادامه خواهند داد.

با به رسمیت بشناسد. ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا و کارکنان فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در پیشبرد مبارزات ملی و دمکراتیک از طریق نهادها و فوق در شهرهای مذکور نقش سازمان‌نگرانه و همدارایت کننده داشته است.

خلق ترکمن که در طول سالین منتهی‌المراتبی حاکمیت جابرانه خاندان منحوس پهلوی از ابتدای ترین حقوق ملی و فرهنگی محروم و سالیها سرکوب و تضييقاً ترا محتمل گردیده بود، همگام با خيبرش توده‌های میلیونی ميگردیدند در جهت احقاق مطالبات ملی و فرهنگی خود و تحقق آرمان‌های عدالت‌ست



دهمین سالگرد مبارزات شورایی زحمتکشان ترکمن صحرا

خواهانه، انقلاب به با خاسته بود. کارکنان فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن که با اتکا بر این فرورث ملی و تاریخی به همت نیروهای انقلابی هوادار سازمان و روشنگران دمکرات ترکمن تحت هدایت و رهبری سازمان، بنیادنگاری گردید، تحقق مطالبات فوق را در دستور فعالیت خود قرار داد. کارکنان در طول مدت یک سال فعالیت علنی خود به ترجمه آشکار ادبی، فرهنگی، تاریخی خلق ترکمن همت گماشت. خط زبان ترکمنی تدوین نمود، تا عربان و نویسندگان و هنرمندان مترقی این کارکنان در برابر مدهسا و مراسم شعرا و ادب به حسابات پر جوش نسل نویسن و انقلاب، ترکمن پاسخ می‌دهند.

فعالین سازمان ما با سازمان ندهی و هدایت مطالبات دمکراتیک و صنفی معلمان و فرهنگیان، کارکنان فرهنگی و کارکنان ترکمن صحرا را تشکیل داده بودند که حمایت وسیعی از این صنف را پشت سر داشت. کارکنان فرهنگی علاوه بر پاسخگویی سر خواسته‌های دمکراتیک فرهنگیان با فرستادن اکیب‌هایی از معلمان و فرهنگیان به محاسنات و روستاهای منطقه بر مبارزات شورایی زحمتکشان و توده‌ها در شهرها و روستاها تا شیری بخشید. از شکل‌های دیگری توان از کارکنان میهن‌دین و تکنسین‌های ترکمن صحرا و اکیب پزشکی ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا تا مبرده خدمات فنی، عمرانی و درمانی فراوانی برای زحمتکشان روستاها به انجام رسانیدند. کارکنان ترکمن صحرا در جهت حمایت از زنان زحمتکش و قالیباف در کارخانه‌های ترکمن صحرا فعالیت‌های ترکمن‌سازی می‌کردند تا نسته‌بود از طریق زنان مبارز و دمکرات نقش فعالی در جهت شناساندن حقوق برابر زنان با مردان و بیداری آنان داشته و در جذب آنان به عرصه‌های مبارزات دمکراتیک تلاشهای مجدانه‌ای نماید. کارکنان پیشگام ترکمن صحرا که به عنوان ارگان دمکراتیک جوانان، در پیوند سلسله

در نوزدهم بهمن ماه ۵۸، با ساداران جنا بیکار رژیم جمهوری اسلامی با یورش مسلحانه به صنف را همیسا با وظایف زحمتکشان منطقه ترکمن صحرا به مناسبت سالروز تاسیس سازمان، جنگ دیگری را بر مردم منطقه تحمیل نمودند. آنان با همدستی مالکان بزرگ و ارتجاع منطقه در شب هجدهم بهمن ماه فدائیان خلق رفقا: توماچ، مخوم، و احدی و جرجانی این دلاوران خلق ترکمن را در داخل شهر گنبدیر بودند و پس از یک روز اعمال شکنجه و آزار و اذیت را به قتل رسانیدند. در این فاطمه به مدت ۵ روز متوالی با ساداران جنا بیکار با حمایت ارتش مسلح به توب و تانک به کشتار و ریزش‌های مبارز و مردم بی‌دفاع پرداختند. آنان با ختمان ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا و کارکنان فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن را با کینه‌های جنون‌آسا به آتش کشیدند و تخریب و منهدم نمودند. بسیاری از خانه‌های مردم شهر مورد غارت و چپاول قرار گرفت و روستاهای "بدلحه" در مجاورت شهر گنبدیر را به آتش کشیدند.

این یورش سبانه در شرایطی صورت گرفت که دهقانان و زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا بخش عظیمی از زمینهای زراعی خود را از دست زمینداران غاصب پس گرفته بودند. بیش از ۴۰۰ هزار شوری دهقانی تحت هدایت و سازمان ندهی ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا از کارخانه‌های دریای ما زندران تاسا دامنه کوه‌های جرجلان در استان خراسان، به اشتراک کشته شده روستاییان با وجود آورده بودند. ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا روستاییان را در مبارزه با زمینداران علیه توطئه‌های زمینداران غاصب و ضد انقلابیاری می‌نمود و سازمان ندهی مورکشاورزی زحمتکشان روستاها را در زمینه: کاشت، داشت و برداشت و فروش محصول به عهده داشت. با اتزای بیشتن تهاجم مبارزاتی شوراها و غنای روزافزون آنها بیش از ۲۵ اتحادیه دهقانی با اشتراک دا و طلبانه شوراها و همجوار دهقانی به وجود آمده بود و با ترکیب نما بینندگان این اتحادیه‌ها، اتحادیه سه سراسری روستایی ترکمن صحرا تشکیل شده بود.

درکنگره‌های نیبیتی شوراها ترکمن صحرا، مهمترین مسائل مبارزاتی و نیای‌های عملی با ترکیب نما بینگان شوراها در دستور بحث و تصمیم گیری قرار می‌گرفت و هماهنگ با انتشار برتسب "خبرنا مثر ترکمن صحرا" تهاجم فنی و روزافزون شوراها ترکمن صحرا به منطقه در سطح جنبش عادلانه و حق طلبانه زحمتکشان سراسری میهن آسا عه می‌شد. شوراها و تهاجمی‌های صیادان ریزان ندهی و هدایت مبارزات میادان بندر ترکمن و کمش تپه در احقاق حقوق صنفی و دمکراتیک صیادان زحمتکش و سهیم گردیدن آنان در نحوه صیدماهی شیلات بندر نقش قابل توجهی پیدا کرده بود. در شهرهای گنبدیر و بندر ترکمن توده‌های مردم با تشکیل شوراها محلات به فعالیت در امور صنفی و اجتماعا سیاسی می‌پرداختند که به دلیل نقش دمکراتیک و حمایت توده‌های این شکل‌ها حاکمیت اسلامی مجبور شده بود با برگزاری انتخابات شورایی در شهرها، عملا آنها

شرقی ستارگان

خواهم گریست اگر بخوای که بگیریم
خواهم گریست، اگر ترا نه مرگم را بخوای شنید
از من بخوای اما
که فراموش کنم نام آنان را.
عشق را به آهی بدل خواهم کرد.
اشک را به آهی بدل خواهم کرد.
لبخند را به آهی بدل خواهم کرد.
- اگر فرمان چنین کنی!
از خاطر اما نتوانم زدود
رنگ آن ستارگان شرقی را.
شهرها را بخوای تا بشورانم
رودها را بخوای با بگردانم
مرزها را بخوای تا بشویم از فواصل ملتها
فراموش نمی‌توانم کرد اما
عطر آن سنبله‌های غمگین را.

شعری توانم سرود که خنجری باشد
خنجری توانم ساخت که دسته‌گلی باشد
از شبنم پیشانی‌ها
کهکشانی خواهم آفرید
واز بازوی کارگران
آفریدگاری
هرگز نمی‌توانم اما
نام آنان را چون پرنده‌ای
به بادها بسپارم
که آنان
حستجوگر آزادی بودند
اما
در زندان‌ها زاده شدند
و در زندان‌ها
مردند.

"مانی"

جنبش دانشجویی، تکانه‌های تازه

در ماه‌های اخیر دانشگاه‌های کشور شاهد جنبش وسیع اعتراضی دانشجویان بود. صحنه دانشگاه نخستین بار پس از سرکوب خونین اردیبهشت ۵۹ و سه سال تعطیل به بیانه "انقلاب فرهنگی"، شاهد جنبش دانشجویان مختلف تهران، اصفهان، شیراز و تبریز، و دانشجویان در اعتراض به وضعیت نابسامان آموزشی و بی‌اعتنایی مسئولین به خواسته‌های منصفانه آنها گردیدند و در محوطه دانشگاه‌ها به تظاهرات جمعی پرداختند. اوج اعتراضات، روز ۱۶ آذر، روز مبارزه با بطوری که کما حقاً روزهای نیمه دوم آذر ماه، دانشگاه‌ها صحنه درگیری دانشجویان با پاسداران رژیم خمینی بود. در جریان درگیری‌ها، دانشجویان مبارز، صادق بوذری در اعتراض به جنایت‌ها و سرکوبگری‌های رژیم با فریادهای "مرگ بر خمینی" در دانشگاه علامه طباطبائی تهران خود را به تاش کشید. در پاسخ به خواست‌های حق طلبانه دانشجویان مزدوران رژیم به سرکوب و ضرب و شتم دستاورد عده‌ای از آنها اقدام کردند. دانشگاه اصفهان مدتها تحت محاصره پاسداران بود. در یکی از یورش‌های پاسداران، ۲۲ دانشجو دستگیر شدند که از سرکوبش‌شان اطلاع در دست نیست. در دانشگاه شیراز، ۵۰ تن از دانشجویان، برای یک ترم تحصیلی تعلیق شدند. عده زیادی از هم‌زمان آنها برای مسئولیتی اعلام گردید که تاریخ تعلیق این عده در کلاس‌های درس حاضر نخواهند شد.

انگسای سیاسی اعتراضات دانشجویان چنان گسترده بود که سران حکومت ناچار به سرکوت زدن برداشتن. خامنه‌ای تلاش کرد تا با نیازی قهرمانانه صادق بوذری دانشجوی مبارز را قدا نگیزه‌های سیاسی وانمود کند. جاثی شیرازی اما جمعیه شیرازی با اشاره به درگیری‌های دانشگاه، اعتراف کرده که برای دانشجویان معترض، تنبیهات انضباطی در نظر گرفته شده است. در این میان، میرحسین موسوی نخست وزیر اعلام کرد که: برای دانشجویان سهمیه معینی کاغذ خودکار را یکسان در نظر گرفته شده است و نیز ۲٪ از مصالح ساختمانی کشور به ما تخمین خوابگاه‌های دانشجویی اختصاص خواهد یافت.

جنبش دانشجویی کشور که از سن دمکراتیک و انقلابی ریشه دارد، برخوردار است، به معنای به جز بسیار با اهمیت جنبش دمکراتیک و انقلابی مردم ایران نمی‌تواند از واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی که جامعه را معمار در خود می‌فشارد، بی‌تأثیر و بی‌گناهی بماند. این واقعیت‌ها در میان جنبش دانشجویی راه‌یابی کند و در شکل خاص خود، توسط همین جنبش به میان درمی‌آیند.

خیزش‌های تازه دانشجویان نشان می‌دهد که تلاش‌های ویرانه‌رو رژیم نگار "انقلاب فرهنگی" برای تخریب سنن مبارزان فدائیانک‌های کشور و تزریق تاریک اندیشی و خرافه پرستی در اذهان دانش‌آموزان و دانشجویان ناچار شده است. ناگهان زکا در آمده است. بی‌وفا شکاری که در این خیزش‌ها میان مطالبات منصفانه و شعارهای سیاسی به چشم می‌خورد، حاکی از افتاد و مردم‌گویی است. سنن دمکراتیک و انقلابی جنبش دانشجویی کشور است.

نسل جوانی که امروز در صفوف جنبش دانشجویی در حال خیزش است، خاطر سال‌های پر جوش و خروش انقلاب را با خود دارد. این خاطر هر انداز هم که توسط رژیم کم‌فروغ شده باشد، به پشته‌ها نشاندن دمکراتیک و انقلابی که تاریخ بخشد. دانشجویان انقلابی و متعهد، بر توان بخشی در سال‌های روزهای انقلاب بودند و با آن است، بر توان بخشی در این سال‌ها با آن است، بر توان بخشی در این سال‌ها با آن است، بر توان بخشی در این سال‌ها با آن است. این همه مایه نیرو و قوت رژیم جوانان است. جوانان جنبش دانشجویی کشور با است و به آن امکان می‌دهد در حالی که بی‌توانی استوارتری با جنبش توده‌های مردم برقرار می‌کند، در صف مقدم می‌نشیند. علیه رژیم ترو و اکتفا و ولایت فقیه به پیش تا زود.

کار فعال در میان دانشجویان، بیدار کردن راه‌های بی‌گناه که به ایجاد تحکیم سازمان‌ها و دمکراتیک و توده‌ای آنها بیانجامد، سازمان‌گیری مبارزات دانشجویان در پیوند مستقیم با شعارهای مبارز مردم‌گرا و نیازهای عاجل مبارزان انقلابی مردم ایران، یافتن اشکال مناسبی از فعالیت دانشجویی به گونه‌ای که دانشگاه‌ها را به مراکز دمکراتیک و روشنگری اذهان مردم و افشای جنايات رژیم خمینی بدل سازد و نظام پراپین‌ها، پیش از پیش جلوه می‌نماید سازمان جوانان پیشگام ایران که میراث‌دار سنن دمکراتیک جنبش دانشجویی کشور است، می‌بایست به فعالیت‌های روشنگرانه و سازمان‌نگرانه خود در میان جوانان و به ویژه دانشجویان کشور ابعاد بیشتری بخشد.

دانشجویان پیشگام به ویژه در شرایط کنونی باید در جهت ایجاد تحکیم هسته‌های محقق دانشجویی متشکل از عناصر فعال و مبارز در هر دانشگاه تلاش بیشتری کنند. این هسته‌ها باید بتوانند در جهت سازمان‌گیری و هماهنگی اعتراضات دانشجویی، طرح و پیشبرد مبارزه حول محور مبارزه با استبداد و دانشجویان، ایجاد متشکل‌های مختلف دمکراتیک و منصفی بر اساس نیازهای واقعی دانشجویان در خوابگاه‌ها و محیط دانشگاه‌ها اقدام کنند. تجربه مبارزات دانشجویی در سال‌های سرکوب دستاورد رژیم خمینی نشان داده است که در هر دانشگاهی وقتی عناصر فعال و با تجربه در هماهنگی با یکدیگر و سازمان یافته به هدایت اعتراضات می‌پردازند، تخریبی و قدرت اعتراضات را گسترده‌تر می‌سازند. اعتراضات گسترده اخیر در دانشگاه‌های کشور بار دیگر ضرورت تشکیل و تحکیم هسته‌های محقق دانشجویی را بیش از پیش عیان می‌کند.

ارتباط مراکز دانشگاهی مختلف با یکدیگر در جهت تبادل اخبار و اطلاعات و نیز تجربه‌گسار در لحظات حادثه‌گیری و اعتراضات و نیز اقدامات همبستگی و حمایت از یکدیگر و بالاخره تلاش وسیع برای بردن اخبار و مسائل دانشگاه‌ها به میان مردم و تقاضای حمایت از آنان نیز از تجارب آموزنده دوره اخیر مبارزات دانشجویی بود.

بگذار، آنچنان که در سنن رژیم جوانان دانشگاه‌های میهن ما بوده است، درفش بیگانه در راه آزادی و حقوق دمکراتیک مردم سر بسامان دانشگاه‌های ایران افراشته و افراشته‌ساز شود. اهتزاز در آید

بیدار

سینه‌سرخان این را خنجر کین آخند
سینه‌سرخان این را سینه‌سرخان آخند
ز عاشقان آشنایان عطر خاطرهای شهر
بیکانه که کسی را گورگاشی ساخته

آه، ای آذر آذر آذر گین با ما گوی
شعله‌های سحر آذر را چسان بگردانند
با کدام فنون گک اشباح سرگردان شب
بر همواران راه صبح مردم با ما خند
وان همان نغم چاک آستان سرود سبزا
در کد این گرت و میش خونچکان با ما خند

هان گوی واپسین آوای میگردانهای تیر
که آزمون را آرتشان پیکان جان با ما خند
مام حسین تا تم افزا خون بدامن میگردد
پس سرودی در امید و پیمان با ما خند
سینه‌سرخان آخند و در خون خویش آفر خند
وین چنین پر چشم بدامن سوی صبح آخند

بیشتر از حد لازم با "اسلام‌ناپ محمدی" ادعای بی‌خیمنی آشنا می‌کنند و نفرت علیه مثال خمینی را بر می‌کشید. به برکت همین مطالبه‌های بی‌خیمنی که مبارزه برای به‌آتش کشیدن آن بر می‌گردد، به دست گرفته است. در سراسر جهان و منحصراً در میان مسلمانان در حال گسترش است. چهره‌خونبار حزب الله، خوان المسلمین و هم‌تای آنها در لبنان، سوریه، عراق، مصر، سودان و غیره... هر روز عریان تر و نفرت‌انگیزتر می‌شود.

بسیار طوری تنظیم شده که کوی خمینی خلیفه کل جهان اسلام است. این حیلۀ خونباری است که تصادفی نیست. خمینی با این حیلۀ تلاش می‌کند که بقیه در صفحه ۸

وقتی که خمینی مصلح جهانی می‌شود!

ماه گذشته، در یک اقدام بی‌سابقه، خمینی بی‌مبارزه‌ای برای میخائیل گابریل، رهبر اتحاد شوروی ارسال کرد و هیاتی را نیز همراه پیغام راهی شوروی کرد. در بخشی از این پیام آمده است: "ما شاهد تغییراتی که شما در کشورتان انجام دادید، بودیم و برای این که شما پس از ۷۰ سال جزارت به خیر دادها بدو به تجدیدنظر در آنچه که سران کمونیسم اعلام کرده‌اند، پرداختید، شمساراً تحسین می‌کنیم... من خوشحال هستم که بعضی آزادی‌های مذهبی در بعضی جمهوری‌ها داده شده است. من توصیه می‌کنم که دیگر بار به اندیشه‌های الهی و بیانی‌های دین‌پسند و به مذهب اسلام الهی خوب فکر کنید و در باره آن مطالبه کنید... شما با بیعتی بدانید که اسلام و یدئولوژی اسلامی یعنی چه؟ شما با بیعتی چندتن از خیرگان خود را به مقهوریت تا اسلام‌ناپ محمدی را بشناسید... از طرف دیگر حاکمان شما سوسیالیسم و کمونیسم را کتا رگذاشتید، بنا بر سستی باغ سبزه شما را فریب دهد، چرا که آنها نیز دچار بن بست هستند و یدئولوژی اسلامی می‌تواند این خلا را پر کند." اودر انتهای پیام گفته است که

| | |
|----------------------------|---|
| آدرس | اتریش |
| P.O. BOX 1091 WIEN AUSTRIA | |
| حساب‌ساختی | AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARNER |

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!